

بزرگداشت انقلاب عمان!

برای اولین بار در ایران و بنا به یک وظیفه انقلابی، بدعت کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر مراسمی با شرکت بیش از ۵ هزار نفر در تحلیل از مبارزات قهرمانانه خلق عمان به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. پلکاردهای متعددی حاکی از پشتیبانی کامل از مبارزات خلق عرب در عمان و فلسطین و شمارهای عظیم امیرالیسم و ارتجاع فلسطینی و عمانی، مبارزه بی امان خلقها را علیه امیرالیسم و ارتجاع تداعی مینمود. در ابتدا پیام کنفرانس وحدت قرائت شد. در این پیام تاریخچه مبارزه خلق عمان، مراحل که ادامه در صفحه ۲

سالروز شهادت ۵۰ تن از کارگران قهرمان کوره پزخانه های تهران را گرامی می داریم!

بطور روزافزونی به دستکاری رژیم دست نشانده شاه پایه های نفوذ و قدرت خود را در جهت غارت هرچه بیشتر خلقهای ایران مستحکم تر ساختند. غارت و چپاول نفت، این ثروت عظیم ملی از یکطرف و اجرای سیاستهای ضد ملی باند پهلوی و همراه با آن تشدید استثمار و حشبهانه کارگران و زحمتکشان از طرف دیگر، اقتصاد بهمار ایران را در آنچنان سیبری پیش می برد که نمی توانست دیر پا زود، با بحرانی عظیم مواجه نشود. سیاست اقتصادی ضد ملی رژیم کودتا، اتخاذ سیاست "درهای باز"، وامهای کمربند خارجی، رشد سرطانی واردات نسبت به صادرات، همه و همه زندگی فلاکت بار برای کارگران و زحمتکشان و فقر اقتصادی و بحرانی عظیم برای کشور به ارمغان می آورد. بمبارازات رشده بحران اقتصادی، اعتصابات کارگری رشد و گسترش عظیمی یافت که از سالهای پایانی دهه ۳۰ پدید بیخ آغاز شد. اعتصاب ۳۰ هزار نفری کارگران کوره پزخانه های تهران یکی از پرشکوه ترین اعتصابات کارگری بود که در ادامه در صفحه ۲

طی سالهای بعد از کودتای امیرالیستی ۲۸ مرداد امیرالیستها و در راسشان امیرالیسم انگلیس و امریکا



دوشنبه، بیست و یکم خردادماه ۱۳۵۸ - بها: ۱۰ ریال

ملی کردن در حرف، دولتی کردن در عمل

بانکها یکی از وسایل استثمار نیروی کار کشور ما و یکی از اهرمهای مهم امیرالیسم جهانی برای چپاول ثروت های ملی و یکی از مظاهر بارز وابستگی به امیرالیسم بشمار می آید. توده های مستعبد ما سالیان دراز با پوست و گوشت خود این استثمار و این چپاول را لمس کرده اند از همین رو با اوج گیری مبارزات انقلابی، خشم و نفرت بی پایان خود را به بانکها، به این موسسات غارتگر - بانک امیرالیستی با آماج حمله قرار دادن این مراکز، به آتش کشیدن آنها، عدم پرداخت دیون و افساط بانکی و همچنین افسای هرچه بیشتر ماهیت عملکرد بانکها از طریق کارکنان مبارزبانکها و نیروهای انقلابی و ... به نمایش گذاشتند.

• بیگاری، غلغله اساسی، راه حلهای اساسی

و دولت موقت "انقلابی"! ۲، صفحه ۴

• گرامی باد خاطره مجاهد شهید: رضاضایی

ششده ۲

• اخبار کردستان - صفحه ۸

چهره های متعدد ضد انقلاب را در خوزستان افشا کنیم!

دولت موقت بخاطر ماهیت بورژوازیست در حمله مسئله بسیار مهم و مردم خلقهای ایران عاجز است و عملاً مسئله خلقها را به صورت کلاف سردرگمی درمی آورد که بازگودن آن روز بروز منکسر می شود. عدم شناختن ساش حقوق خلق "خلقهای ایران" و اعمال سیاست آرام سازی از طریق ریش سفیدی و قسم دادن - انجمن برای آنکه فرصت بیشتری برای سرکوب خلقها بدست آید - لاس زدن و بالاس از آن خدمت دشمن با مرجع ترسبی نیروهای مناطق یعنی فئودالها و روسای قبلیسل - نادیده گرفتن حل مسئله ارضی، تکرار اشتباهاتی که رژیم سابق میزد و هرگونه مطالبه برای احقاق حقوق ملی را بیای تحزیه طلبی میگذاشت و بالاخره بسین نیروهای مغزقی خلقها و عناصر سرسپرده تحزیه طلب فرقی قائل نشدن، هنگی نمودهای سیاست ناسیون - بورژوازی است که دولت تاکنون اعمال نموده است.

در خوزستان نیز قضیه در نتیجه اعمال جنبش سیاسی به و خاتم بیشتر میگردد. روشن است وقتی رهبری نتوانست و نخواست توده های آگاه را بر محور خط مشی و برنامۀ های انقلابی بسیج و سازماندهی کند، راه برای عناصر فرصت طلب و نترقه افکسن و تحزیه طلب و الت دست فراهم می شود. بهرحال، از یکطرف موضوع حق ملیتها و در این - جا بطور مشخص خلق عرب ایران را نباید تحت - الشعاع برخی انحرافات و توطئه های تحزیه طلبانه - نسلماً حنبه غالب ندارد قرارداد - جهنگریهای ناسالم و تحریکات داخلی با خارجی همواره محکوم اند و تنها با آگاهی توده های و راه حلهای انقلابی می توان آنها را خنثی ساخت. از طرف دیگر، مسئله سرکوب خلق عرب تحت لوی مبارزه با تحزیه طلبی به هیچ رو قابل توجه نیست و این همان شیوهی است که رژیم جنایتکار پهلوی با توسل به آن به سرکوب خلق های می برد. اختار اخیر خوزستان و حمله به خلق عرب و مراکز خلقی از جانب نیروهای ارتش و پاسداران محکوم است. تنها راه مبارزه با تحزیه طلبی و غلامین بیگانه که میگویند خود را در صفوف خلق عرب - جا برزند، رسیدن خلق عرب به خواسته های عادلانه خود در چهارچوب ایران دمکراتیک و انقلابی است. ■

ادامه مبارزه به همین لحاظ بود که پس از قیام، توده های ادامه در صفحه ۲

ماشین دولتی و بخصوص ارتش، به خود توده هایند، آری برای چنین کسانی تسلیم توده های مردم و سقوط و نه تسلیم پادگانهای ارتش که موجب رشد و ابتکار و فعالیت توده ها و باگیری و جوش ارتش - خلقی می گردد، حکم مس کشنده را دارد. آنها مجبورند که قیام مسلحانه و متهورانه توده ها را کسار امیرالیسم قلمداد کرده و پیروزی واقعی را نکست انقلاب جلوه دهند. این به هیچوجه تصحیح آوری نیست. بلکه اگر بجز این بود، می توانست گفت آوری و حتی تک بر انگیز باشد. ادامه در صفحه ۳

خاطره شهید روحانیت مبارز آیت الله سعیدی، گرامی باد

ده سال پیش در روزهای سیاه سال ۴۹ زبانیکه ایریا - لیستهای جهانخوار خلق های ما را وحشیانه غارت میکردند زبانیکه رژیم شاه صدادها را در گلو خفه میکرد و کجوش های مقاومت را چنان مورد حمله قرار میداد که از شاخه و درخت اثری نماند، در آنروزها در کار مبارزات گوناگون خلق، صدای روحانیت مبارز، روحانیت افشار زحمتکش خلق نیز بگوش میرسید. چه بسا رساتر و برپایه سنتهای مذهبی موجود، مؤثرتر - آیت الله محمد رضا سعیدی هنگامیکه از جمع چند صد نفر سرمایه داران امریکائی در اوائل ۴۹ در تهران مطلع شد بیانیه ای صادر کرد و تلاش امیرالیستها و رژیم را که بتخلیص غارت مردم ما صورت میگرفت محکم نمود. موضع ضد امیرالیستی آیت الله سعیدی با توجه به انعکاساتی که می توانست در سطح جامعه داشته باشد نه تنها موجب دستگیری بلکه شکنجه او تا سرحد شهادت گردید. در همان زمان مهتد سرتیک داود کی صدها مبارزین نام و نشان دیگر نیز شهید گشتند و هریک مشغلی شدند که شیبستان تاریک کشور ما را بتد بیخ طلیسالیهای ۵۰ روشن کردند و پس از قیام های سراسری سرانجام در بیستم ماه ۵۷ خرمین رژیم شاه خائین را باشتی کشیدند. یاد همسۀ عزیزان خلق منجمله آیت الله سعیدی که جان در راه ایمان و عقیده خویش و در جهت پیروزی زحمتکشان گذارند، هرگز می پیام آور حفظ هیبتگی و اتحاد خلاق نیروهای ضد امیرالیست خلق است. این پیام را پاس داریم.

ما در کجای تاریخ قرار داریم؟

جبهه ملی ایران - تشکلات خوزستان در رابطه با مسائل این منطقه بیانیه ای منتشر ساخته و ضمن آنکه خواستار شده تا به " مردم و مملکت روشن شود " که " ما اکنون در کجای تاریخ ایستاده ایم، شروع به ابراز نظر نموده است. بهتر است بدون هیچ مقدمه ای به درس تاریخ آنها گوش فرا دهیم.

درس اول: تسلیم پادگانهای نظامی در روزهای پیروزی انقلاب و پیش شدن املحه در بین مردم ... تا - شد کشته این نظر بود که امیرالیسم در مدداست که انقلاب را با عد انقلاب سرکوب کند. (کیهان ۱۷ خرداد، اعلامیه مذکور) نتیجه گیری: تسلیم پادگانها و تسلیم توده ها خواست و نقشه امیرالیسم برای سرکوب انقلاب؟ با عد انقلاب بود. چه درس آموزی نگرفی! روشنفکران بورژوازی ما چقدر خوب دست خود را رو کرده و کار مارا آسان و تکلیف توده ها را روشن می سازند. این آقایان که تا همین اواخر با افتخار عنوان می کردند که بسرای آنها " شکل حکومت " یعنی سلطنت جمهوری، مهم نیست (از محابه های سنجاسی) ... بلکه مهمم دمکراسی است و نه توده ها چنین وانمود می کردند که گویا شکل حکومت با محتوای آن ربطی نداشته و در سلطنت و آنها سلطنت شاه جلد نیز وجود دمکراسی امکان پذیر است و بدین ترتیب به تطهیر و تقدیس چهره جهانخوار شاه پرداخته و توده ها را به سازش و بند و بست با سلطنت دعوت می نمودند. انسان که در دوران بختیار (این یاد برینه شان) تمام تلاش خود را بکار بردند تا توده ها را بفریبند، آنها را به " متروپه " قانع کرد و انقلاب را از مسیر منحرف سازند، انسان که پس از به شکست انجامیدن تلاشهای نجات سلطنت، توده ها را از اقدامات انقلابی و را - دیکال ترسانند و می خوانند، سیستم حکومتی قبلی را با کمی روغن کاری، بدون لطمه خوردن به منافع و موقعیت امیرالیسم، بدون دست خوردن به

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

حماد شیبانی را آزاد کنید!



گرامی باد خاطره مجاهد شهید: رضا رضائی

۲۵ خرداد ۵۲ مجاهدی در لیبویازی خستکی، ناپذیرکے همچون دیگر همزمانش جان خویش را در راه مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه و در جهت پیروزی زحمتکشان خلق گذارده بود بدست دژخیمان ساواک شهادت رسید . مجاهد رضا یگسال و نیم در سخت ترین شرایطی که آنروزها بر جامعه ما و بر سازمانهای انقلابی میگذاشت با شکیبایی و احساس مسئولیت، انقلابی رهبری سازمان مجاهدین را بر عهده داشت . آنچه در اینجا گفتنی و تأکید بر آن است چیزی است که رضا و همزمانش در مبارزه اختیار کرده بودند و آن عبارت بود از منابع زحمتکشان تین انتشار جامعه را در بد نظر قرار دادن در همین رابطه است که رضا بین خط مشی مجاهدین و خط مشی آنها که صلحت اندیشانه بود از حمایت مجاهدین میزدند تا طاعنه خط ناصلی می کشید . برای مثال در مورد یکی از افراد پر مدعا ی فرص طلب که امروز بقامات عالیه هم رسیده است ، رضا گفته بود : « وقتی عالی های کرمانی چند لایه را از زیر پایش بیرون کشیدیم آنوقت معلوم میشود که چقدر طرفدارا است . » این بود چشم انداز راهی که رضا می بیند .

خونخوار داخلی و خارجی در بانکها صحنه گذاشته است . دوکلمه " مشروغ " و " مشروط " همان کلاه سرخی معروف برای درامان نگه داشتن این سرمایه ها ، از " خطر " معادله به نفع خلق است . معلوم نیست سرمایه دارانی که سالیان دراز نیروی کار زحمتکشان ما را استثمار کرده اند ، سالیان دراز تولید کنندگان و فروشندگان کوچک را غارت کرده اند ، سرمایه دارانی که چند برابر سرمایه اولیه خود را یا سه خارج برده اند یا صرف عیاشی و خوشگذرانی های خود کرده اند به چه نحوی حق مالکیت " مشروغ " و " مشروط " می توانست داشته باشند ؟ معلوم نیست سرمایه داران غارتگر امپریالیستی و دلان داخلی آنها ، که ساواک و ارتش فد خلقی و غیره و غیره همه برای حفظ منافع آنها ، پاسداری از غارتگری آنها ، و تضمین بقای آنها بوجود آمده بود . چگونه مالکیت شان از جانب " دولت موقت " - " مشروغ " و " مشروط " تلفی میشود . واقعا آیا حتی یک سرمایه دار بانکی (اعم از خارجی و داخلی) میتواند در سیستم گذشته مالکیت " مشروغ " و " مشروط " داشته باشد ؟ یا معنای " مشروط " و " مشروغ " از جانب بورژوازی و از جمله " دولت موقت " چیز دیگری است ؟

ادامه از صفحه اول ملی کردن ...
انقلابی و تمام نیروهای م. ل و دمکرات و ضد امپریالیست ، یعنی بر شمار ملی کردن بانکها (با همان محسوساتی که گفتیم) و تحقق این خواست اساسی بوده - ها تا یکدیگر می گردند . در این میان از جانب نیروها و عناصر خلقی که در سیستم حکومتی فعلی شرکت دارند نیز نمایانگی مشخصی در مورد برآوردن این خواست دیده می - شد (نظیر مواضع جاما و دکتر سامی) که عمدتا بر همان اصل مذکور یعنی قطع سلطه سرمایه های خارجی از بانکها (منتحبی با همان سیاست خاص خود) تکیه می نمود .
اما " دولت موقت " و سایر مخالف بورژوازی شعار ملی کردن واقعی بانکها (و اعمال نظارت انقلابی بر آنها) را همانند دیگر خواسته های توده های ستم - دیده که بخاطر تحقق آنها انقلاب کرده اند ، غیر عملی و چیکرایانه ارزیابی کرده و در مقابل به سیاست بورژوازی خود در حفظ سیستم قبلی بانکها از طریق کمک مالی و دادن تضمین به آنها اذمه می دادند . همین فر رشتن سازمان برنامه در این مورد غمگین کمرنگ جلوه دادن اعمال غارتگرانه صاحبان سهام عمده این بانکها (مو' سنین و سرمایه گذاران اصلی آنها) می گوید :

قطعه نامه

بیم شرکت کنندگان در میتینگ شهم زوشن در شهران به جیهه خلق برای آزادی عمان :

دوردم و کلمه توده های مبارز ایران را به بنامت چهار - دهسین ما لگده غا ز انقلاب مسلحانه خلق عمان به بدرید . توده های ما مبارزات دلیرانه خودیوسوه با مبارزات یکسال و نیم گذشته و قیام مسلحانه ، هسین ماه توانستند در میمه ۲۵ ساله سلطنتی و شه مانده ، آن شاه غاش را سرنگون کنند و این کابوس ارتجاع و امپریالیسم رانه تنها ازر خود بلکه از سرنامی خلقهای منطقه دور نمایند . اینک ما پس از برداشتن اولین گام پیروزی و در حالیکه همچنان برای قطع کامل سلطه ونفوذ امپریالیسم و بقایای ارتجاع مبارزه میکنیم ، اعلام میداریم که مبارزات شما همیشه مورد تائید و ستایش توده های مبارز ما بوده و هست . خلقهای ما همچنان تاروشه کن کردن کامل امپریالیسم از ایران و دیگر نواحی منطقه به مبارزات خویش ، دست در دست شما ، ادامه خواهند داد . همزمان گرامی !

- ۱- ما مبارزات عادلانه خلق شما را در راه آزادی عمان شما پیروزی کامل تانید میکنیم .
 - ۲- ما اقدامات ارتش شاه سابق را علیه خلق و انقلاب شما محکوم میکنیم و خواستار مجازات مرتکبین آن هستیم .
 - ۳- ما منتقدیم که در برابر برتیا همه جا تابه امپریالیسم و ارتجاع باید صف متحدی از خلقها و نیروها منطقه بوجود آید . اتحاد خلقهای ما و خلق عرب در عمان و فلسطین و جاهای دیگر پیوندی ضروری است .
 - ۴- ما هرگونه سرپیژننها در برنجا بات ارتش شاه در عمان و هر گونه نسی اعتنائی با انقلاب عظیم خلق شما را محکوم نموده آنرا صحنه گذاردن بر مواضع رژیم شاه ارزیابی میکنیم .
 - ۵- ما منتقدیم هما نگونه که انقلاب فلسطین بحق در ایران نما بندگی دارد ، داشتن دفتر نما بندگی برای کمکبه پیشبرد مبارزات دمکراتیک و فدا امپریالیستی خلق عمان نیز ضروری است .
- با درود فراوان به شهدای انقلاب در ایران و عمان
- اجتماع کنندگان میتینگ شهم زوشن (۱۹ خرداد) شهران

ادامه از صفحه اول " بزرگداشت " ...
انقلاب ملی سالهای گذشته پیهمه ، حملات امپریالیستها و مرتجعین عرب و دخالت ارتش شاه سابق برای سرکوب انقلاب و همچنین اوضاع کنونی جنبش انقلابی عمان و جلوه های همبستگی و روابط بین - انقلابی عمان و انقلابیون ایران مورد بحث قرار گرفت . سپس پدر رفیق حماد شیبانی چریک فدائشی خلق ، در برابر دستگیری فرزندش و اعتصاب غذایی صحبت کرد و جمعیت با فریاد " حماد شیبانی آزاد باید گردد " حمایت خود را از این مبارز زندانی و بطور کلی از ضرورت موقوف شدن هرگونه اقدام علیه نیروهای انقلابی ایران دادند . سپس یکی از همسواران مبارز و سالخورده قطعه شعری را که در حمایت از مبارزات خلق عمان (ظفا) ، برده بود قرائت کرد که مورد استقبال و تحسین قرار گرفت . بیامهای نیز از سوی دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر ، شورای موسس کانون دبیرله های پیکار شهران گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست - پیکار خلقی - دانش آموزان مبارز و گروهی از کارگران بیکار قرائت گردید . ناگفته نماند که بخاطر طرف نظر کمیته برگزار کننده در برخی بیامها موشگرمیها بی اتفاقا شده که از آنجا نظر کنفرانس وحدت نمی توانست باشد . سپس قطعه نامه میتینگ از سوی اجتماع کنندگان تصویب گردید که متن آنرا در همین شماره ملاحظه مینمائید . در پایان ، فیلم " کُتُتْ ما کُتُتْ التحریر بَرُکْ با استعمار " : " لحظه آزادی فریاد رسید . استعمار گورت را کم کن " - که یکی از بهترین فیلمهای است که در ساراه انقلاب عمان پیش از حمله ارتش شاه به مناطقی از آن شده ظفار تهیه شده - نمایش داده شد .
ما امیدواریم این تحلیلات سرازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نیز در بزرگداشت این روز تقویم دیواری ویژه ای که با شما و بری از انقلابیون عمان زمینست یافته همراه با شورای از سرودهای انقلابی عمانی منتشر ساخت .

ملی چند ماه گذشته بانکهای عمومی ... از بانک مرکزی میلیاردها ریال وام گرفته اند تا بتوانند تعهدات خود را انجام دهند و از طرف دیگر وضع برخی از بانکهای عمومی ... بنحوی بود که اگر کمک های دولت ... به آنها قطع میشد احتمال ورشکستگی آنها وجود داشت ...
هیئتطور . حتی مواردی بود که از جانب مقامات بانکی " دولت موقت " مسئله ملی شدن بانکها منتفی اعلام میشد ...

ناچاری دولت

اما برای دولت ادامه این سیاست چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی ناممکن بود :
از لحاظ سیاسی ، فشار توده های ستمیخته و آگاه و نیروهای انقلابی که خواستار قطع کامل نفوذ امپریالیستها از بانکها بودند ، از یکطرف و عملکرد و فشار نیروها و عناصر ریکه در سیستم حکومتی شرکت دارند - از درون این سیستم - مانع از ادامه وضع بانکها بصورت سابق نبود .
اما از لحاظ اقتصادی ، حل بحران همه جانبه اقتصادی و نجات دادن سرمایه داری از این بن بست و رکود ، سرمایه داری ایران را با مسائل مبرمی در رابطه با بانکها روبرو میکرد که ما اشاره کوتاهی به برخی از آنها می کنیم .
اول اینکه سیستم بانکی موجود به لحاظ فرار سرمایه ها از جانب مداران اصلی آن و عدم پرداخت دیون از جانب توده های خرده پا که این عدم پرداخت علاوه بر فقر اقتصادی دارای جنبه های مشخص سیاسی نیز - که ناشی از فقرت این توده ها به بانکهاست - می باشد ، بدین ترتیب با عدم پرداخت این دیون ، بانکها عملا در معرض ورشکستگی قرار دارند .
دوم اینکه بدلیل همین فقر و ورشکستگی ، میادلات بازرگانی و معاملات دیگر خارجی و داخلی ، که بر اساس سیستم بانکی صورت میگردد دچار اشکالات اساسی است .
سنا بر این سرمایه داری ایران برای خروج از این بن بست ، می باید حداقل به یک فرم هرچند سطحی تن دردد تا بتواند توده های بدهکار خرده پا و متوسط را وادار به پرداخت دیون خود (این بار نه به بانکها بلکه به دولت موقت " انقلابی ") از یک طرف و ایجاد تحرک در زمینه میادلات بازرگانی و معاملات دیگر و ... نماید . و با توجه به اینکه این فرم بیشتر برای نجات سرمایه داری صورت می - گیرد ما شاهد بی توجهی به اساسی ترین خواست توده ها هستیم . تا یکدیگر که در قانون " ملی کردن بانکها بر حفظ " حقوق " سرمایه های امپریالیستی و دلان داخلی آنها با عنوان " ... ضمن قبول اصل مالکیت مشروغ مشروط ... " شده است بخوبی نشان میدهد که " دولت موقت " از موضعی که توده ها خواستار ملی کردن بانکها هستند ، عملی نگردد است . بلکه بالعکس بر " حق " مالکیت سرمایه داران

از انتشارات جدید سازمان:

تعمیر و تجدید بنا (۲)
کتاب سوز
روشنایی انقلابی - سیاسی
قیام پهن ماه ۵۷

سازمان مجاهدین خلق ایران
(۵۳ - ۵۲)

سازمان پیکار در راه آزادی فلسطین
(۵۸ - ۵۷)

هموطنان مبارز!

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر - آباد جنوبی سابق) واریز نمائید .

طرف و چگونگی مبارزه بر علیه تمام آن موسسات (سازمان و اتحادیه هائی) که برای ادامه استعمار جابراشه ملکن و سرمایه داران وابسته به وجود آمده اند بستگی پیدا کرده است. در این میان هر جریائی که بخواید این مرزبندیهای عریان طبقاتی را با برده های اوهام انگیز و مردم فریبی مخدوش سازد علاوه بر منافع خلق فریب میزند. جریائی که اینهمه حقایق فولادین جامعه ما را با رنگ اسلام و غیر اسلام مشخص میکند، فراموش میکند که ماسک اسلامی زدن برای فلان فتوادلی برینا با فاسد و تا مغز استخوان ضد خلق، کاری ندارد. در حالیکه همین فتوادلی با هرگونه راه حل مسائل ارضی، که زمین را از دست او خارج سازد و حق را به حق دار بدهد و دهقانان شخمیده را از دست او خلاص سازد سرچنگ دارد. در زیر یکی از بیانیه های دهقانان یک منطقه را که در خواست هایشان نه مذهبی و با غیر مذهبی بلکه آنگار نشانه قیام بر علیه ستم و جور است، میخوانیم. فتوادلیها دشمن اند، دولت موقت "لقب" است. این است درکنی که دهقانان از زندگی سرتاسر رنج خود آراء می دهند:

جنبشهای دهقانان در طی این سالها به ستم ماه اوج تازه ای یافته است. در تاریخ مبارزاتی همین ما هیچگاه جنبش های دهقانی و ملی تا به این حد از رشد و شور و زندگی دست نیافته بودنت. قطب بندی طبقاتی در مناطق روستائی و بخصوص مناطق مسکونی ملیت ها شدت در حال تکوین است. سازمان توده های تحت ستم، دهقانان رنج دیده از یک طرف، و فتوادلیها و مرتجعین از جانب دیگر به سرعت دارد شکل میگیرد. دهقانان ستم دیده برای نابودی بقایای سیستم کهن و جابراشه، و برای دست آوردن حقوق حقه خویش در حال ایجاد و گسترش اتحادیه های انقلابی خود هستند. در همان حال فتوادلیهای محلی و مرتجعین نیز برای حفظ مناسبات کهن، اتحادیه های ضد انقلابی و ضد خلقی خود را بوجود می آورند. در حالیکه در بسیاری مناطق حمایت دولت موقت و برخی کمیته ها را پشت سر خود دارند.

سروش انقلاب دگرگشت و فد امیرالیهی مردم شخمیده همین ما پیش از پیش وابسته به چگو - نگی و بقا و رشد این قبیل موسسات خلقی از بسک

بیانیه اتحادیه ده نشینان منطقه تیلکوی

بسم الله الرحمن الرحیم

ما کشاورزان و خوش نشینان روستاهای منطقه تیلکوی شهرستان سقز روز دوشنبه مورخ ۵۸/۲/۱۷ ساعت ۲ بعد از ظهر به منظور اتحاد و اتفاق بیشتر با هم و در جهت پیشبرد اهداف خود و مقابله با هر خطری که جان و مال و ناموس ما را تهدید میکند در روستای جنبان جمع شده و انجام خواسته های خود را بشروح زیر از دولت موقت اسلامی و رهبری امام خمینی خواستاریم:

- ۱- با اینکه آیت الله طالقانی و داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی و احمد صدق حاج سید جواد وزیر کشور خواستهای بر حق ملت کرد را تأیید کرده اند، که همان قطعنامه ۸ ماده ای مهیاساد و قطعنامه سندج میباشد ولی متأسفانه تا کنون دولت موقت در این مورد سکوت کرده و هیچ گونه اقدامی ننموده اند بلکه دولت موقت برنامتهای رادسوی کردی را بدون اینکه دلیلی داشته باشند قطع کرده اند. ما بار دیگر خواستهای بر حق خود را تکرار میکنیم و شیخ عزالدین حسینی را تشنه نمائید و سنگساری ملت کرد با دولت موقت میدانیم.
- ۲- در مورد دایر شدن باسگاههای ژاندارمری در منطقه انتخاب روستا و افراد انتظامی (پیشمرگه) باید با نظارت و تأیید شایندگان اتحادیه ده نشینان انجام گیرد.
- ۳- تعیین فرماندار یا پدیارای مردم شهری و روستا صورت پذیرد.
- ۴- تعیین بخشدار که حوزه ما نوریش در سطح روستاهای منطقه است باید با نظارت و تأیید شایندگان اتحادیه ده نشینان صورت گیرد.
- ۵- توجه به بهداشت روستاها و احداث دایر نمردن دریا نگاهار، دستاها منطقه.
- ۶- احداث دایر نمون حمام و تأمین برق برای تمام روستاهای منطقه.
- ۷- تأمین آب آشامیدنی روستاها و اقدام در مورد تأمین آب کافی برای آراخی مزروعی از طریق حفر چاه عمیق و تنیم عمیق و قنات و بستن سد بر روی رودخانه ها.
- ۸- دادن وام دراز مدت و بدون بهره به کشاورزان و دامداران و خوش نشینان.
- ۹- چنانچه بذر و کود سهمیه این شهرستان از مرکز ارسال شد تقسیم آن در بین روستائیان با نظارت اتحادیه ده نشینان باید صورت گیرد.
- ۱۰- اقدامات عمرانی در مورد نوسازی های کشاورزی و ساختمانی و احداث جاده شونه برای دهات.
- ۱۱- خلع سلاح نمودن فوری محمد صدیق خان جاف و قطع کمک و اعراج دوازدهم خود فروش قیاده بوقت.
- ۱۲- محکوم نمودن شورای عثاری که بوسیله فتوادلیهای ضد خلقی و مرتجع محلی در شرف تاسیس آن است و در ضمن مالکاتی که مانند ما زمینکنند و با فتوادلیها رابطه ای ندارند برادر ما هستند.
- ۱۳- برخوردی برپا داشته شود جهت فساداتی که در کشاورزان.
- ۱۴- لغو اجاره بهای ساختمانی از خوش نشینان بوسیله مالکان.
- ۱۵- فروش کتدم به خوش نشینان به منظور استفاده خود و خانواده شان از طرف اداره غله به قیمتی که به نانوایان شهر فروخته میشود.
- ۱۶- ما با تمام قدرت پشتیبانی خود را از اتحادیه دهقانان (به کبیتهی جونیواران) مریسوان و هورامان - کامیاران - سرشت اعلام میداریم.
- ۱۷- ما شدیداً جنگهای خمیلی و خانمان سوز - سندج - کشید کاووس - نقد را محکوم میکنیم و خواستار مجازات عاملین و مسببین این واقعه های جان کداز میباشیم از دولت موقت میخواهیم که در این مورد سکوت ننماید چون بی توجهی دولت موقت جمهوری اسلامی باعث هرج و مرج و ناامنی در منطقه میگردد. و تا کنون ثابت شده که سکوت دولت باعث تقویت ارتجاع شده است.
- ۱۸- ما عمل خائنه مالکن مرتجع ارومیه - سلماس - علیه دهقانان آن منطقه را محکوم و پشتیبانی خود را از دهقانان آواره شده اعلام میداریم.
- ۱۹- ما کشاورزان از دولت موقت میخواهیم که محصول کشاورزی را به قیمت عادلانه خریداری نماید و نشاندند کشاورزان در ضمن نرخ محصولات شرکت داشته باشد.
- ۲۰- ما میخواستیم که در جلسه اتحادیه ده نشینان منطقه تیلکوی:

از نظر جنبه ملی دولت از این لحاظ که حقوق حقه خلقها را نادیده میگیرد و مانع رسیدن آنها به خواست های عادلانه می گردد به هیچوجه مقرر نیست. بلکه گناه و شکیبائی بی جای او در آنست که از همان اول با قدرت تمام و به زور اسلحه به سرکوب توده ها و اعمال نامرکامل خلقان و ترور متوسل شده، تا خلقها نتوانند حتی خواستهای خود را نیز بیان داشته و برای سوزواری در دسر ایجاد کنند.

دین سوم: از یکطرف روابطن را با بخشی از دنیا سیره مناسبت تا در مجموع دنیای عرب و بالاضافه به نیت فلسطین کمک کنیم، از طرف دیگر همینها که می بایستت میمانه دست دوستی ما را بفتارند، مسلم تربیت چریک به مین ما گسیل می کنند.

نفرت و خشم بی پایان این آقایان را از اینکه روابط عادی با نیت فلسطین برقرار شده است، نگاه کنید!

این آقایان روشننگران سوزواری جقدر ناراحت اند که چند روزی روابط با امیرالیهیها عکس آب شده است. و جقدر کم تحمل اند که چند روزی قیصر کیمیا آمریکا در ایران را نمی بینند!

آنها می خواهند بهر نحوی که شده ثابت کنند روابط با خلقها به نفع دولت یعنی به نفع سوزواری نیست و همخوانی خود را در دولت تصحیح میکنند تا سر غل بیایند. اما آنها فراموش کرده اند که خلقهای ما با تجربه کردن ۱۵ خرداد و قیام - های سال ۵۷ و بالاخره قیام سیم ۵۷ مهر باطل سز نام شوبه های پشتیبانی و تسلیم ظلمی سران جنبه ملی زده اند و امروز مردم ما با پوست و گوشت و استخوان خود احساس میکنند که وقتی "آقای سنجایی" می گوید که:

"ملت استعما من مخالفت با دولت نیست، بلکه مخالفت با بی دولتی است"

منظورش این نیست که دولت در اینکه در راه ادامه انقلاب تا پیروزی نهائی یعنی قطع طلسم و نفوذ امیرالیهیسم مانع ایجاد می کند، در اینکه حقوق ملی خلقها را به رسمیت نمی شناسد و... مورد انتقاد می باشد، بلکه فقط از این جهت قابل مخالفت است که با برقراری دیکتاتوری، قطعنامه از منافع سوزواری و آریاباشد دفاع نمی کند. خلقها را با جبارت و قدرت هرجه بیشتری سرکوب میکنند و... تاریخ جقدر خوب واقعات را روشن ساخته و نشان میدهد که جنبه ملی در کجای تاریخ قرار دارد!

۱- جنبان ۲- ایراب ۳- قلمه جقه ۴- ایرانشاه ۵- فامین آباد ۶- شریف آباد ۷- شمس ۸- شیمانقله ۹- تازه آباد ۱۰- باسماق ۱۱- جعفرخان ۱۲- گاو کج علیا ۱۳- گاو کج سفلی ۱۴- علی آباد ۱۵- تخت ۱۶- ابجوب ۱۷- تهریبک ۱۸- شاشاکل ۱۹- چناره ۲۰- خانه میران ۲۱- سیدآباد ۲۲- چابان ۲۳- قلمه کاه کور کور ۲۴- قره کل ۲۵- قاجان ۲۶- فتاح آباد ۲۷- کانی سیدشکو ۲۸- کانی سیدشکو

نظر ما این بیانیه یکی دو موضوع مهم را در رابطه با خواست های دهقانی از قلم انداخته و نسبت به آن توجه نکرده است. یکی موضوع مهم و بسیار

ادامه از صفحه اول ما ۵۵۵

دین دوم: "تیراندازی های چند روز گذشته (خوزستان) ... نتیجه شکیبائی سنجایی بود که مناسبتانه در مرکز وجود داشت" (همانجا)

نتیجه گیری: دولت می بایستت خیلی زودتر از این به سرکوب خلق عرب می پرداخت.

دولت از اینکه پس از کردستان و کشید، به سرکوب بیرحمانه خلق عرب پرداخته، مقرر نیست، بلکه شکوه و گلابه سبیه ملی از دولت این است که چرا زودتر از این و شدیدتر از این به سرکوب خلقها و باستانی حقوق ملی آنها و اعمال ثوونیم نیردا - خته است!

از نظر جنبه ملی دولت از این لحاظ که حقوق حقه خلقها را نادیده میگیرد و مانع رسیدن آنها به خواست های عادلانه می گردد به هیچوجه مقرر نیست. بلکه گناه و شکیبائی بی جای او در آنست که از همان اول با قدرت تمام و به زور اسلحه به سرکوب توده ها و اعمال نامرکامل خلقان و ترور متوسل شده، تا خلقها نتوانند حتی خواستهای خود را نیز بیان داشته و برای سوزواری در دسر ایجاد کنند.

دین سوم: از یکطرف روابطن را با بخشی از دنیا سیره مناسبت تا در مجموع دنیای عرب و بالاضافه به نیت فلسطین کمک کنیم، از طرف دیگر همینها که می بایستت میمانه دست دوستی ما را بفتارند، مسلم تربیت چریک به مین ما گسیل می کنند.

نفرت و خشم بی پایان این آقایان را از اینکه روابط عادی با نیت فلسطین برقرار شده است، نگاه کنید!

این آقایان روشننگران سوزواری جقدر ناراحت اند که چند روزی روابط با امیرالیهیها عکس آب شده است. و جقدر کم تحمل اند که چند روزی قیصر کیمیا آمریکا در ایران را نمی بینند!

آنها می خواهند بهر نحوی که شده ثابت کنند روابط با خلقها به نفع دولت یعنی به نفع سوزواری نیست و همخوانی خود را در دولت تصحیح میکنند تا سر غل بیایند. اما آنها فراموش کرده اند که خلقهای ما با تجربه کردن ۱۵ خرداد و قیام - های سال ۵۷ و بالاخره قیام سیم ۵۷ مهر باطل سز نام شوبه های پشتیبانی و تسلیم ظلمی سران جنبه ملی زده اند و امروز مردم ما با پوست و گوشت و استخوان خود احساس میکنند که وقتی "آقای سنجایی" می گوید که:

"ملت استعما من مخالفت با دولت نیست، بلکه مخالفت با بی دولتی است"

منظورش این نیست که دولت در اینکه در راه ادامه انقلاب تا پیروزی نهائی یعنی قطع طلسم و نفوذ امیرالیهیسم مانع ایجاد می کند، در اینکه حقوق ملی خلقها را به رسمیت نمی شناسد و... مورد انتقاد می باشد، بلکه فقط از این جهت قابل مخالفت است که با برقراری دیکتاتوری، قطعنامه از منافع سوزواری و آریاباشد دفاع نمی کند. خلقها را با جبارت و قدرت هرجه بیشتری سرکوب میکنند و... تاریخ جقدر خوب واقعات را روشن ساخته و نشان میدهد که جنبه ملی در کجای تاریخ قرار دارد!

سخنان یک روستایی

یکی از روستائیان بی زمین روستای حمید از اطراف ماسندو آب می گفت: ما در رژیم گذشته از همه چیز محروم بودیم، زیر ظلم و ستم آریابان و ژاندارمهای دولت بسر می بردیم، آواره شهرها شده با مزد های کم بی خبر از زن و وجه مان برای سرمایه داران کار می کردیم. آن موقع که دولت وام کشاورزی می داد به ما می گفتند: وام کشاورزی را به آنها بیکه زمین دارند میسودیم.

بعد از آمد وقتنی دولت میخواست بروستائیان وام دهد ما نیز مراجعه کردیم ولی بی گفتند: قباله ندارید. گفتیم: زمین های ما را آریابها گرفته و پس ندانند. ولی آنها قبول نکردند. چرا حالا که دولت اسلامی خود را حامی زمینکنان قلمداد می کند آن جوابی را که دولت گذشته بی ما داده به ما می دهد تازه وام را به کتا ووزان ما بهره می دهند در صورتیکه قبل از انقلاب می گفتند در دولت اسلامی از نزول و بهره گیری نخواهد بود.

● مقدمه

در شماره قبل توضیح دادیم که بیکاری در رژیم سرمایه داری امری ناگزیر است. و گفتیم که حاکمیت رژیم سرمایه داری وابسته بئر مین ما، به بیکاری ایجاد بسیار بزرگتر و گسترده تری داده است. همچنین توضیح دادیم که حل اساسی مسئله بیکاری فقط در صورتی ممکن میگردد که رژیم سرمایه داری وابسته سرنگوی جمهوری دمکراتیک خلق، به رهبری طبقه کارگر جابگزین آن گردد. در عین حال که حل قطعی و نهائی مسئله بیکاری صرفا در جامعه سوسیالیستی امکان پذیر میگردد.

و به نقش دولت موقت اشاره کردیم و نشان دادیم که بطور عملا در مقابل خواستهای اساسی و اصولی توده های خلق ما و بخصوص طبقه کارگر مقاومت مینماید و به همین دلیل، هرگز قادر نخواهد بود به مسئله بیکاری جواب قطعی بدهد. در این شماره ما به طرحهای مختلفی که تا بحال در مورد تامین زندگی کارگران بیکار - چه از طرف کارگران و چه از طرف دولت موقت - عنوان شده است، میپردازیم.

● قسمت دوم - " طرح "

ما گفتیم که اصولا حل " قطعی مسئله بیکاری در رژیم سرمایه داری نه فقط ممکن نیست، بلکه سرمایه داران برای پاشن نگه داشتن سطح دستمزدها و مقابله با مبارزات کارگران و... همواره مایلند که در صدی از کارگران بیکار باقی بمانند. در ضمن واضح است که دولت فعلی به علت خفتند انقلابی و ضد کارگری خود، همانطور که تا بحال در عمل نشان داده است، قادر نیست گره گشای مسئله کارگران بیکار و بیکاری باشد. اما این بدان معنی نیست که کارگران از هرگونه کوششی برای بدست آوردن حقوق خود از همین دولت، چشم پوشی کنند. کارگران در عین حال که معتقدند حل قطعی مسئله بیکاری نه تنها توسط این رژیم بلکه توسط هیچ رژیم سرمایه داری دیگری ممکن نیست، باید با شکل هرچه بیشتر خود و اعمال فشار، دولت را به عقب نشینی و دادن امتیازات بیشتر وادار نمایند.

سوالی که در اینجا برای ما مطرح میشود این است که این شکل چگونه بایستی باشد، و کارگران حول کدام طرح اصولی بایستی گرد بیایند تا موفقیت آنها در عقب نشاندن رژیم و کسب امتیازات از آن، موفقیت آمیز باشد؟

● کدام طرح برفع کارگران است؟

در مورد چگونگی این شکل ما در شماره آینده صحبت خواهیم کرد. در اینجا میپردازیم به اینکه کارگران بیکار از ابتدای شروع مبارزاتشان چگونه طرحهای را در دستور خود قرار دادند، و کدامیک از آنها اصولی و صحیح بوده است، از طرف دیگر دولت چه طرحی را ارائه کرده و با طرح کارگران چه برخوردی داشته است؟

به تدریج و همراه با شدت گرفتن بحران سیاسی- اقتصادی رژیم مغفور پهلوی، مبارزات کارگران بیکار در اشکال مختلف شروع شد. عمومی ترین شکل این مبارزه، تخمین در کارخانه ها بود. سرمایه دارها، وقتی اوضاع را نامسا من دیدند (از نظر خودشان) و خطر را احساس کردند، دسته دسته فرار میکردند و سرمایه های کلانی را به همراه خود می بردند. آنها می رفتند و کارگران در کارخانه ها بیکار مینشاند. کارگرانی که یک عمر مورد اجساد و استثمار قرار گرفته بودند، باز هم در شرایط سخت تری قرار میگرفتند. تخمین های زیادی مضمومادر تهران و شیراز و آبادان و امپهان بر پا شد. ولی کم کم فکر راه پیمائی مستقل کارگری در کارگران پیدا میشد و حتی بیکار توسط کارگران سیمان ری نیز در تهران نظا هرات مستقل کارگری انجام گرفت.

بعد از قیام این سیر تکاملی ادامه یافت. کارگران در نظا هرات خیابانی و تخمین های مختلف خواستهای به حق خود را مطرح میکردند. اولیین

خواست آنان " حق کار " بود. کارگران کار میخواستند. آنها میگفتند: " ما کار بدهید تا کار کنیم و تخم زنی و بچه هایمان را حداقل مثل گذشته نیمه سیر نگه داریم "

کارگران میگفتند:

" سرمایه داران داخلی و خارجی وقتیکه کارها - نه ها کارشان رونق داشت با دستمزد های ناچیزی ما را استخدام میکردند. حالا که دولت جدید سرکار آمده و به برکت قیام مردم بسیاری از سرمایه داران فراری شده اند، باید برای ما " کار " تهیه کنند. ما کار می خواهیم تا در سازندگی مملکت سهمیم با شما "



دولت موقت که از تامین کار برای کارگساران بیکار عاجز مانده است، در مقابل طرح " حق بیکاری " کارگران به شدت مقاومت میوزد و بالاخره تحت فشار کارگران بیکار، برای خالی نبودن عریضه در روز ۵ شنبه ۵۷/۱۲/۲۴، طرح " وام بیکاری " را اعلام میکند. طبق طرح " وام بیکاری " دولت: (**)

● طرح وام بیکاری دولت

- ۱- وام بیکاری با معرفی آخرین کارفرما پرداخت میشود.
- ۲- این وام به کسانی که بدون میل و اراده خود بیکار شده اند، پرداخت میشود.

بیکاری، علل اساسی، راه حل های اساسی و دولت موقت " انقسلایی "!

- ۳- پرداخت این وام ۱۰ روز پس از ابلاغ به وزارت کار شروع میشود.
- ۴- این وام به کسانی که ۲۶ سال کمتر و ۶۰ سال بیشتر نداشته باشند، پرداخت میشود.
- ۵- شرط استفاده از وام، پرداخت حق بیمه لاقبل یکسال متوالی و پیوسته از آغاز سال ۱۳۵۲ است.
- ۶- کارگران ساختمان های یکسال پیوسته بسا منقطع در کارگاه ساختمانی مورد قبول وزارت کار کار کرده اند، از شرط پرداخت حق بیمه معافند.
- ۷- میزان وام پرداختی این صندوق به کارگران مجرد ۲۵۰ تومان و متاهل ۴۰۰ تومان است.
- ۸- برای فرزندان کارگر بیکار ۵۰ تومان در نظر گرفته میشود.

۹- در هر خانواده که زن و شوهر هر دو واجد شرایط باشند، تنها به یک نفر وام پرداخت میشود و اگر در یک خانواده زن یا شوهر کار کند، وام به کارگر بیکار پرداخت نخواهد شد.

۱۰- دریافت وام بیکاری از ماه اول به بعد موقوف به شرکت کارگر در دوره های آموزشی بسالا بردن تخصص و بسالا بردن مهارت است.

۱۱- دریافت کننده وام بسالا اشتغال دوباره به کار ۱۰٪ از کل حقوق و مزایای خود را باید به صندوق پرداخت کند.

۱۲- وزارت کار مکلف است پس از ۶ ماه از تاریخ تصویب، پیشنهاد لازم برای ایجاد صندوق بیمه بیکاری تدوین کند.

چرا وزیر کار از طرح وام بیکاری دفاع میکند؟ کارگران طی مذاکرات خود با وزیر کار و معاونین وی و طی گروه های مشاوران به این طرح اعتراض کردند. کارگران بطور اصولی بر روی " حق بیکاری " با فشاری نمودند. (تخمین در وزارت کار) و احقاق حق بیکاری را به عنوان حق مسلم خود دانسته، طرح " وام بیکاری " را توطئه ای از جانب رژیم دانستند. بد نیست برای فهم میزان اهمیت " حق بیکاری " برای رژیم به سخنان دیابوش فرور در اول فروردین ۵۸ در تخمین کارگران بیکار توجه کنیم. وی در این روز گفت:

" ... توضیح دادم که این طرح به پیشنهاد وزارت کار و تصویب هیئت وزیران و تاخیر شورای انقلاب بوده است و من اکنون توانایی دیگری آنرا بالشخص ندارم ... "

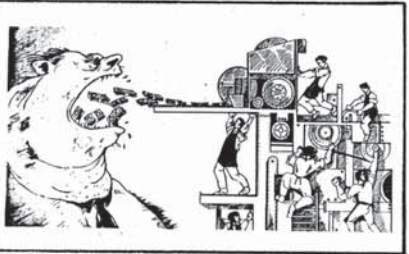
وی در مورد پیشنهاد ۱۲ ماده ای کارگران بیکار که در آن بر روی " حق بیکاری " با فشاری شده بود، گفت:

" شرف کارگری به کارگر اجازه نمیدهد که بلا مؤس (!) پول بگیرد، و میخواهم که این طرح وام بیکاری دقیقا به صورت یک وام باقی بماند ... "

به این ترتیب روشن میشود که زمانیکه کارگران در ضمن ها و اعتراضات خود حق بیکاری میخواستند، وزارت کار و هیئت وزیران و شورای انقلاب با جلوه طرح " وام بیکاری " گذاشی را تصویب نموده اند،

اما گوش دولت به این حرفها بدهکار نبود. کارگران ملی شدن بانکها، ملی شدن سرمایه ها و صنایع بزرگ و وابسته، معادله زمینهای زمینداران بزرگ و وابسته را می طلبیدند و بندرتی تشخیص میدادند که حل مشکل بیکاری از این طریق میسر است. اما دولت در عوض به کمک رساندن به سرمایه داران بزرگ و به کوشش برای برگرداندن سرمایه داران فراری مشغول بود!

بعد از " حق کار "، کارگران " حق بیکاری " میخواستند. آنها می گفتند تا زمانیکه دولت برای ما کار تهیه نکرده است، می باید بسا " حقوق بیکاری " بدهد. باید پولی بدهد تا از گرسنگی نمیریم و بتوانیم بعدا دوباره کار کنیم. ما باید تا زمانیکه کار پیدا نیابیم دستمزد کم زن و بچه هایمان را سیر نگه داریم. کارگران می گفتند که در تمام کشورهای اروپائی و پیشرفته کارگران " حق بیکاری " میگیرند و در کشورهای سوسیالیستی زندگی شان از طرف دولت (کارگری) تامین است. ما هم در اینجا " حق بیکاری " می خواهیم. دولت باید با تائین " صندوق بیمه بیکاری " هر ماهه حداقل هزینه زندگی کارگران و خانواده شان را بسا آنها بپردازد. کارگران در شیراز، آبادان، تهران، امپهان و در شهرهای شمال و... همگی خواهان " حق بیکاری " بودند. کارگران بشرو بیکار در مدد بودند که با تشکیل سندبکای کارگران پروژه ای (فعلی) و با کانون کارگران بیکار کارخانه ای، خواست خود را به دولت مقبولانند. آنها برای کارگران توضیح میدادند که " حق بیکاری " حق آنهاست. صدقه سرمایه داران نیست، حق بیکاری



چیزی جز قسمت کوچکی از دستمزد واقعی کارگران نیست که سالها به وسیله سرمایه داران به بیضا برده شده است. سرمایه داران و کارگران را استثمار کرده و هنوز هم استثمار میکنند، پس می باید در دوران بیکاری آنها را تامین نمایند. کار بیکاری را همین سرمایه داران با سودپرستی هایمان به وجودنیاورده اند؟ مگر طبقه کارگر توسط سرمایه داران دانشا استثمار نمیشود؟ کارگران آگاه معتقد بودند بسا شکل کارگران در سندبکاها و کانون بیکاران و ارائه طرح " حق بیکاری " و فشار به دولت برای پذیرفتن این طرح، موفق میشوند. ()

(*) - روز شنبه ۱۹ اسفند کارگران بیکسار در محل کارگران بیکار " با سازمان کارگران سابق جمع شدند و توسط " شورای موسس کارگران " که در ۱۷ اسفند تشکیل شده بود به خواست وزیر را مطرح کردند:

- ۱- ایجاد کار برای بیکاران
- ۲- تشکیل صندوق بیمه بیکاری
- ۳- لغو قانون ضد کارگری کار
- (* *) - میدانید که رژیم مغفور پهلوی نیز درصدد کسرتن صندوق وام بیکاری بود.

متزلزل و لرزان است. کارگران به شکل در سندیکا - ها و کانونهای بیکاران " دل " منبدهند. در عین حال طرح "حق بیکاری" میتواند و میتواند پشتیبانی کارگران شاغل را نیز بخود جلب نماید. در حالیکه طرح " وام بیکاری " فاقد این امکان است.

و همین طور اینها بودند علی که بر طبق آن آقای فروهر " دقیقاً " میخواست که این طرح به صورت " وام " باقی بماند و " حق بیکاری " مطرح نگردد.

● طرح انحرافی دیگر، " صندوق تعاون بیکاران "

در این میان بر اثر نشوونیدن یک طرح اصولی در میان کارگران که بتواند آنها را به هم نزدیک کرده، مشکل نماید، طرحهای انحرافی دیگری نیز بروز نمود. بروز این طرحها به شش بیشتر کارگران دامن زد و باعث پستی و روشنگرانه و بی مورد فراوانی گردید. کارگران را به جان هم انداخت و آنها را از مسیر اصلی خود منحرف نمود. یکی از مهمترین طرحهای انحرافی، طرح " صندوق تعاون بیکاران " بود. بد نیست اندکی نیز به این طرح بپردازیم. در اعلامیه ای که از طرف " بخشی " از کارگران بیکار منتشر شده، آمده است:

" تجربه چند ماهه ما کارگران بیکار نشان داد که مقامات مسئول دولت انقلابی موقتاً بهانه های مختلف از تحقق خواستهای منطقی و بحق ما سر باز می زند... سیل اتهامات ضد انقلابی، دروغو بی دین، غریبکار بطرف ما سرازیر شد و حتی مورد هجوم قرار گرفته شدید به مرگ شده و متأسفانه هیچگونه حمایتی از طرف مقامات مسئول انجام نگرفته. امروز ما تصمیم داریم که سرنوشت خانواده های بی پناه و گرسنه خویش را خودمان در دستگیریم و از همه آزاد بخواهیم و مقامات مسئول دولتی تقاضا داریم که در حد توان و امکان، ما را کمک کنند و از راهنماییهای ما با محرومی و معذرت دریغ نورزند. هموطنان عزیز، ما با تشکیل کمیته کاربایی و صندوق تعاون بیکاران تلاش خود را آغاز میکنیم و از وزارت کار و کامیون و حقوق بشر و کانون وکلا دعوت میکنیم که با نظارت و راهنمایی ما در حل مشکلات باری کنند."

انحرافی بودن این طرح خیلی دود در میان کارگران روشن شد. این طرح چیزی جز اِلطاف سرمایه داران (دولت و مقامات مسئول) را، به کارگران نوبد نمیدهد. این طرح ذهن کارگران را از مبارزه برای خواستهای اساسی خود منحرف میکند و کارگران را بجان یکدیگر " میانداخت". این " طرح " از یک طرف معتقد بود که " دولت " مقامات مسئول " به نفع کارگران هیچ کاری انجام ندادند و در عوض آنها را تهدید کرده، به آنها ضد انقلابی گفته اند، ولی از طرف دیگر، باز از همان " مقامات مسئول " میخواست که به این صندوق کمک نمایند! این " طرح "

آقای فروهر میگوید: " شرف کارگر به او اجازه گرفتن بول را نمیدهد " باید با ایشان گفت که:

" حق بیکاری " صدقه نیست، حق طبیعی کارگروست

از آزادیخواهان میخواهد که به این صندوق بول بریزند! و در واقع وظیفه دولت را انجام دهند! آیا ممکن بود بهتر از این به دولت سرمایه داران کمک نمود؟ این " طرح " از طرح پیشنهادی دولت هم پائین تر است. آیا نویسندگان طرح، عقب مانده و خوشحال نبوده اند؟

بهر ترتیب از نظر ما، تا وقتی که یک طرح اصولی و اساسی در میان کارگران بیکار ریشه ندوانده است، امکان بروز طرحهای انحرافی دیگر هم هست. " طرحهای " که فقط موجب هز رفتن نیروهای کارگران بیشتر میشود و در نهایت چیزی عاید نمی نماید. از نظر ما این طرح اصولی " حق بیکاری " است.

ما از تمام کارگران بیشتر و نیروهای آگاه دعوت میکنیم که حول اشکات حقانیت طرح " حق بیکاری " و طرد و نفی طرح کذابی " وام بیکاری " دولت، اقدام به افشاکاری نمایند.

ادامه دارد...

ظاهراً طرح وام خود را به طرح وام اصلاحی کارگران نزدیک کرد، اما این فقط ظاهر قضیه بود. نتیجه وام دهی دولت بعد از گذشتن ماه به خوبی محبت این ادعا را ثابت میکند.

به علت تبلیغات سوء دولت و علی که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد، کارگران دست از طرح " حق بیکاری " برداشتند. و به این ترتیب به دولت این فرصت را دادند که حداقل تا مدتی به هدفهای خود دست یابد.

● چرا کارگران بجای طرح " حق بیکاری " وام بیکاری را مطرح نمودند؟

به عنوان دلیل گفته میشد: از یک طرف نبودن شکل و آگاهی کارگران و از طرف دیگر خراب بودن وضع اقتصادی رژیم! ولی ببینیم آیا این دلایل درست بوده اند؟

در مورد وضع اقتصادی دولت، همانطور که خود دولتیان گفته اند، " فقیر نیستیم " (#) دوماه پیش هم فقیر نبودیم، کوششهای هم که برای دریافت پول از مردم به عنوان مختلف (خیریه و...) صورت میگرفت برای جلوگیری از تورم بود. بهتر صورت یافت چندانی میان " حق بیکاری " که به کارگران تعلق میگرفت و " وام بیکاری " دولت (در صورت دست یابیده شدن)، وجود ندارد. لیکن دولت با علم کردن طرح " وام " میخواست تا از پایه " تشکیلات کارگران را مورد حمله قرار دهد و با لنتضیم به توده های عظیمی از کارگران هیچ وامی پرداخت نشود.

● چرا بسیاری از کارگران دنبال طرح دولت می روند؟

لیکن آگاهی و شکل کارگران با این بود، چه بسا در صورت مطرح کردن " حق بیکاری " وارد کردن " وام بیکاری "، کارگران بهر پیشرو از توده های کارگر بیکار جدا افتاده و هر یک برآه خود میرفتند. در این زمینه ما عقیده داشتیم که می بایست " حق بیکاری " را به عنوان طرح اصولی و بلاواسطه در نظر قرار داد ولی وام بیکاری را رد نمودیم (یعنی کارگران را از گرفتن وام بیکاری منع نگذاشتیم). اقدام به افشاکاری در اطراف آن نمود. به کارگران توضیح داد که طرح وام بیکاری دولت هیچ وقت منافع اولیه آنان را برآورده نخواهد ساخت. (همانطور که ساختن است) کمپنیا میبوینها کارگر را گرسنه نگه میدارد و بقیه را که به این طرح امیدوارند سردو - نده، و چیزی عایدشان نمی شود. درباره طرح " حق بیکاری " می بایست تبلیغ و ترویج و سازماندهی صورت گیرد و بر ضرورت اخذ " حق بیکاری " بعنوان حق طبیعی و مسلم کارگران تاکید و با فشاری گردد. در حال حاضر طرح " وام بیکاری " اصلاحی، به صورت چانه زدنهای بی نتیجه با دولت در آمده است و آینده ای هم ندارد.

چرا کارگران طرح " وام بیکاری " را بجای طرح " حق بیکاری " پذیرفتند؟

از یک طرف کار آگاه هراته وسیع در میان کارگران صورت گرفت و کارگران مبارز از " خانه کارگر " و بقیه امکانات خود نتوانستند به نحو مطلوبی برای تبلیغ " حق بیکاری " استفاده کنند، چرا که خودشان آنرا به مدتی بعد (۴ ماه بعد) موکول کرده بودند و عملاً به کاری در این زمینه صورت نگرفت. از طرف دیگر تشکیلات دهی کارگران مدت زیادی به عقب افتاده است و کارگران در تهران (و درسیا) ری از شهرت آنها) هنوز در ابتدای مشکل کردن خود می باشند. (از آنجایی که در اطراف مقرات طرح " وام بیکاری " افشاکاری نشده است، کارگران بجای پیگیری طرح " حق بیکاری " به گرفتن " وام بیکاری " امیدوار شده اند و از همین لحاظ پایه تشکیلات (#) - حسن نرینه مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در روزنامه آتندگان ۷ خرداد میگوید:

" امروز، روزانه ۶۰ میلیون دلار از درآمد نفت ما بد ایران میشود. فراموش نکنیم در گذشته قسمتی عمده این پول شاید ۹۰ درصد آن خرج خرید اسلحه میشد و... و با: " گفتیم بروید حبابهای سر را ببینید در بانک آمریکا می مانده اتان و بانک مرکزی الان ما ۱۲ میلیارد دلار ذخیره ارزی داریم. ما فقیر نیستیم! "

لیکن چرا آقای وزیر حتماً میخواهد که این طرح به صورت " وام " باقی بماند و صحبتی از حق بیکاری نشود؟ زیرا:

۱- " حق بیکاری " به کارگران نا آگاه می - فهاوند که کل طبقه کارگر توسط طبقه سرمایه دار ر استثمار میشود، بنابراین زمانیکه عده ای از کارگران بیکار میشوند، دولت نمایند سرمایه داران با بستن قسمت کوچکی از درآمد سرمایه داران را کسبه از استثمار کارگران حاصل شده است، بصورت حق بیکاری به کارگران پرداخت نماید. آقای وزیر کار میگوید: شرف کارگری به کارگر اجازه نمیدهد که بلاعوض (!) بول بگیرد. " مسلماً " شرف " وزیر دولت سرمایه دار می باشد و او حکم میکند که از منافع طبقه خود حمایت کند.

● کدام طرح به نفع کارگران است؟
" وام بیکاری " یا " حق بیکاری "؟

● کارگر به فکر سیر کردن شکم و وزیر به فکر بزرگ کردن هرچه بیشتر جیب سرمایه داران!

● حل اساسی مسئله بیکاری فقط در صورت استقرار جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری، طبقه کارگر متصور است.

به همین جهت " حق بیکاری " مطرح شده از طرف کارگران را بول " بلاعوض " قلمداد میکند. لیکن کارگران میدانند که " حق بیکاری " چیزی جز قسمت کوچکی از درآمد حاصل از استثمار خود آنان نیست. این حق آنهاست.

۲- آقای وزیر کار میگوید: " میخواهم که این طرح صندوق وام بیکاری دقیقاً (!) به صورت وام باقی بماند " زیرا وزیر دولت سرمایه دار می قصد دارد طبقه کارگر را تحمیل کند. به کارگران بگوید که وام بیکاری صدقه ما به شماست، حق شما نیست، بلکه ما لطف کرده به شما وام میدهم. شما هیچگونه حقی ندارید و باید این پول را برگردانید!

۳- رژیم با طرح " وام بیکاری " قصد داشت تشکیلات کارگران بیکار را بهم بزود و تا حدودی هم موفق از طریق " تشکیلات دولتی " اقدام به پرداخت وام به کارگران نمود. روشن است که در این حالت کارگران به صورت منفرد، در اینجا با آنجا دولت سروکار داشتند. طرح وام بیکاری به طریقی است که با سابقه ترین و معمولاً پیشروترین کارگران از این طرح برخوردار میشوند، بنابراین از کل کارگران بیکار جدا شده و به شکل خود نمی بردازند. در این صورت کارگران در یک حالت بی - تشکیلاتی باقی میمانند و قادر نیستند حتی همان خواسته های ابتدایی خود را از دولت طلب نمایند. تا بحال هم کارگران بیکار از تشکیلات مناسبی برخوردار نشده اند.

۴- رژیم با طرح " وام بیکاری " این امکان را یافته است که به توده های عظیمی از طبقه کارگر - هیچگونه وامی پرداخت ننماید. بعد از گذشتن سه ماه، از حداقل ۳ میلیون کارگر بیکار فقط سه ۶۰ هزار کارگروام پرداخت شده است! (آنها ۷۵۰۰ تومان به هر کارگر بیکار، ۱۵۰ تومان برای زن و ۵۰ تومان برای فرزند) یعنی به دو میلیون و نهصد و چهل هزار (۲/۹۴۰/۰۰۰) کارگر بیکار و گرسنه (حداقل) هیچگونه پولی نرسیده است!

بعد از تصویب طرح وام بیکاری، رژیم با آن و ناله به پرداخت آن اقدام نمود. کارگران بر علیه این طرح اقدام به راهپیمایی نمودند و از جمله روز ۲۱ فروردین بود که در دادگستری ضمن نمودن، در این روز کارگران طرح " اصلاحی " خود را به دولت عرضه کردند. بر اساس طرح اصلاحی کارگران پروژه ای، میزان وام (و نه حق) به ۹۰۰ تومان افزایش می یافت. برای زن ۲۰۰ تومان و برای هر فرزند ۹۰ تومان در نظر گرفته شده بود. محدودیت سنی و محدودیت داشتن دخترچه سیمه بر طرف شده بود و... " دولت موقت " در مقابل این طرح هم مقاومت نمود! و با بهانه اینکه این طرح ۲۷٪ به مخارج دولتی اضافه میکند از قبول آن شانه خالی کرد. (در صورت - شکه هم میدانم وضع مالی دولت بر طبق گفته خود دولت نه خراب بوده و نه حالا خراب است.) دولت سر اثر فشار بیشتر کارگران اطلاعات جوشی در طرح خود وارد نمود ولیکن میزان وام را افزایش نداد. دولت

اخبار کارگری

از کارگران مبارز کارخانه مارگارین پیاموریم

هشت ماه مبارزه بی پایان کارگران برای گرفتن حقوق پابمال شده خود دست از کار کشیدند و خواستهای خود را به کارفرما اعلام کردند بعد از چند روز اعتصاب و مقاومت در مقابل توطئه های کارفرما ، بعضی از خواسته های خود را بزور از کارفرما گرفتند . این خواسته ها عبارت بود از :

- ۱- عالی ۱۲ در صد اضافه دستمزد ، که برای هر کارگر ۲۷۰ تومان می شد .
- ۲- ۴۰۰ تومان حق مسکن و ۱۵۰ تومان حق خوار و بار برای کارگران متاهل و ۲۵۰ تومان حق مسکن و ۹۰ تومان حق خوار و بار برای مجردین .
- ۳- سود ویژه از ۱۰ روز به ۱۵ روز در هر شش ماه .

البته خواسته های دیگری بود که از طرف کارفرما با مخالفت شدید روبرو شد و کارفرما خواست بنحوی کارگران را دست سیر کند . ولی کارگران مبارز کارخانه مارگارین بدلیل آگاهی که داشتند ، مجددا در ۱۷ بهمن ماه دست از کار کشیدند و در آن نه تنها خواسته هایی که در اعتصاب قبلی از طرف کارفرما به آنها توجیه نشده بود مطرح کردند ، بلکه خواستار اخراج فوری رئیس مزدور کارخانه ، " مهندس پورکاسی " که فساد خورده ، مقام پرست و ضد کارگر بود ، شدند . کارگر-ان همچنین خواستار انحلال سندیکا ای کرمانی و سندیکا ای واقعی بدست خود کارگران شدند . کارگران بعد از سه روز مبارزه موفق شدند رئیس کارخانه ، روسای کارگری ، انتظامات ، نقلیه و امور اداری که در طول خدمت خود همواره سعی کرده بودند تا آنها که ممکن است کارگر کشی نمایند ، اخراج کنند . همچنین ، سندیکا وابسته را منحل کرده و ۸ نفر را بمنحولان اعفاء سندیکای موقت انتخاب کردند . تا در مقابل کارفرما از حقوق آنها دفاع نمایند .

اعفاء سندیکای موقت که نمایندگان واقعی کارگر-ان بودند و از پشتیبانی یکپارچه کارگران برخوردار بودند . در طول ۲ ماه مبارزه توانستند امتیازات زیر را بدفع کارگران بدست آورند :

- ۱- مرخصی سالیانه را از ۱۲ روز به ۲۰ روز رساندند .
- ۲- همچنین ساعات کار را از ۵/۵ ساعت به ۴۷/۵ ساعت تقلیل دادند . بطوریکه روزهای پنج شنبه را خود اعفاء سندیکا بدون موافقت کارفرما تعطیل اعلام کردند .
- ۳- عیدی و پاداش از ۱۰ روز به ۲۰ روز در سال افزایش دادند .
- ۴- سود ویژه از ۱۵ روز به ۲۰ روز رساندند .
- ۵- میزان روغن نباتی را که هر سال ۵ کیلو به کارگران میدادند به ۱۰ کیلو رسانیدند .
- ۶- کارگران زمستان کارخانه مارگارین بعد از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی ، همچنان به مبارزه ات خود ادامه دادند . در فروردین و اردیبهشت ، کارگران و سندیکای واقعی آنها ، توانستند ماهانه ۴۰۰ الی ۵۰۰ تومان به عنوان اضافه تولید دریافت دارند .

کارگران در مقابل سرمایه داران ، وزارت کار و یک روحانی

نمایندگان کارگران برای افزایش حقوق که هر سال بعد از عید انجام میگردد ، با کارفرما وارد مذاکره شدند ولی کارفرما همواره آنها را به وزارت کار پاس میداد ، نمایندگان وقتی به وزارت کار مراجعه نمودند وزارت کار (آقای صدیقی معاون آقای فروهر) به آنها گفت که شما خواسته های خود را نوشته و بما بدهید ما خواسته های شما را در نوبت میگذاریم و به آنها رسیدگی میکنیم ، اگر منطقی بود جواب میدهم . ولی همانطور که انتظار میرفت - چون از وزارت کار سرمایه داران و از وزیر کار - سرمایه داران ، جز این انتظار نیست - بعد از مهلت تعیین شده به نمایندگان جوابی ندادند . این امر باعث شد که اعفاء سندیکا مجددا به وزارت کار مراجعه کنند ولی سردواندن کارگران به وسیله وزارت کار همچنان ادامه داشت تا اینکه نمایندگان متوجه شدند که دیگر نباید امید به وزارت کار داشته باشند ، لذا خود قاطعانه وارد عمل شدند و کارفرما را تهدید کردند که چنانچه دستمزد کارگران را افزایش ندهند ، آنها مانع توزیع و فروش روغن از طرف کارفرما شده و خود آنها بدست خواهند گرفت ، از برخورد قاطع کارگران موثر افتاد و کارفرما مجبور شد از سندیکا دعوت نماید که به اداره مرکزی رفته و با کارفرما " لاجوردی ها " مذاکره کنند . اعفاء سندیکا وقتی که به اداره مرکزی میروند متوجه میشوند که

آقای کارفرما از قبل یک نماینده وزارت کار و یک روحانی را با خود همدست کرده تا بدین وسیله موضوع را به نفع خود تغییر بدهد .

کارفرما به روحانی مزبور گفته بود تمام اعضا سندیکا کمونیست هستند و کمونیست ها در کار اینها دست دارند . این دروغ بیشرمانه را کارفرما گفته بود تا با استفاده از جوغد کمونیستی که روحانیت به وجود آورده است بقول معروف ، گریته را دم حلقه بکشد ، در حالی که حتی یک کارگر کمونیست هم در سندیکا نیست .

در این موقع آقای روحانی شروع به نصیحت کارگر-ان میکند ، که یکی از اعفاء سندیکا میگوید : ما اینجا نیامده ایم . که برای ما موعظه کنید و با سخنرانی گوش کنیم . اگر شما برای دفاع از حقوق ما به اینجا آمده ایم نمایمت از توی اطاق کارفرما سر در بیاورید . بلکه می بایست می آمدید کارخانه به اتفاق ما به اینجا می آمدید .

خلاصه بعد از گفتگو با آقای روحانی ، او سکوت را بر صحنه کرد و ترجیح میدهد . و به این ترتیب حرف حق کار خود را میکند .

نماینده وزارت کار هم که مانند روحانی فوق - الذکر از اطاق آقای کارفرما سر در می آورد ، وقتی خود را معرفی میکند ، یکی از اعضای سندیکا با میگوید : شما همان نبودید که در زمان شاه ، غائب می خوا - ستی مرا به ساواک تحویل دهی ، یادرفته که مرا - تهدید کردی که اگر فلان ربهان کنی ساواک تحویل میدهم . با این افشاجری ، اعفاء سندیکا ، این افساسی نماینده وزارت کار را هم سر جایش می شانند و به او اجازه صحبت و دخالت در کارشان را نمی دهند ! - واقعا که کارگران چه دردی برای دولتی که میخواهد از مهره های گذشته استفاده کند ایجاد نمیکند ! - در اینجا اعفاء سندیکا میمانند و کارفرما و هیئت رئیسه شرکت که همواره برای کارفرما دلالتی کرده اند ، و جماعتی

نامه کارگران حق طلب موزائیک سازی سپیده

ریاست محترم اداره کار استان بوشهر
ما کارگران موزائیک سازی سپیده اعم از بلوک - زنی و شیکه زنی و دستاوری که برای منوچهر نجابت صاحب کارگاه کار میکنیم امروز ساعت ۱۰ مورخه ۵۸/۲/۵ صبا اطلاع میکنیم که فردا یعنی ۵۸/۳/۶ کار - گاه را تعطیل کنید البته به غیر از منوچهر نجابت زنی که فقط ۲ کارگر دارد و منفعت بیشتر . در صورتیکه قسمت عمده کارگاه که شامل استخراج موزائیک می - باشد و ۱۰ کارگر دارد دستور تعطیل آنرا میدهد . ما کارگران نسبت به این عمل اعتراض میکنیم میگو - ییم چون مصالح و ما محتاج کارگاه موجود نیست و نمی - توانیم فراهم کنیم کارگاه را به غیر از بلوک زنی تعطیل میکنیم . در صورتیکه از نظر ما کارگران که در متن کار هستیم خوب میدانیم که هم اکنون هم از نظر سیمان و ماه تا مین است و هم فروش موزائیک خوب است و هم بازده کار زیاد است . نکته ای که باید گفته شود اینست که ایشان یعنی آقای نجابت ضمن اینکه دبیر دبیرستان است و با یک پروانه کار سه بخش کار را در یک محیط ایجاد کرده است . باری مدت ده دوازده سال است که برای ایشان کار میکنیم و به وسیله همین نیروها هستی که در مدت این چند سال اخیر هدر رفته ایشان صاحب مال و منال و تومبیل آخرین سیستم شده اند . بایک کلمه خیلی ساده میگویند کارگاه را تعطیل میکنیم . ما کارگران خود میتوانیم بدون وجود ایشان از هر لحاظ کارگاه را بچرخانیم که کار تعطیل نشود . همانطور که ریاست محترم در جریان هستند که امروز کشور ما یک کنزرو انقلابی است و اوج بیکاری در آن به سرحد رسیده در این موقعیت اگر ما چند کارگر توسط کارفرما بیکار شویم تکلیف ما چیست ؟ تکلیف دزدان و فرزندان ما چیست ؟ تکلیف ما محتاج زندگی ما و گناه ما منکم ما چسه میشود ؟ آیا کدام قانون بشری اجازه میدهد که آقای کارفرما بدون هیچ دلیلی نان ما و زین و بچه های ما را قطع کند ؟ هرچه زودتر بکار و روغن ما رسیدگی و اقدام فرمائید . ضمنا حسن سپهران منشی کارگاه هم در این جریان مدافع منافع کارفرماست و از ایشان هم تکلیف دارید .

کارگران اخراج شده موزائیک سازی سپیده (منطبق به منوچهر نجابت)
گیرندگان روغن و روزنامه های : پیغام امروز ، آندنگا ، آقا کار ، پیکار

بودند بر روی سرکارگران ، تاجیهایی کارفرما را از زحمت و رنج کارگران برگرداند .

تسلیم کارفرما

هیئت رئیسه کارخانه که از این برخورد کارگران هاج و واج مانده بودند ، با تشجبه نمایندگان کار - گران نگاه میکردند ، حتی یکی از آنها می پرسد : آبا در کارخانه چنین آدمهایی همیشه میشوند ما غیرنداریم ؟ و میگوید : شما باحال کجا بودید که ما غیرنداریم ؟ البته گفته های او دو جنبه دارد . یکی بسرا ی اینکه خودش را به نمایندگان نزدیک کند و از اینطرف بتواند آنها را رام کند . غافل از اینکه نمایندگان سوگند خورده اند که در برابر منافع کارگران و همکا - ران خود هرگز در مقابل کارفرما تسلیم نشوند . و تا جان در بدن دارند از حقوق پابمال شده آنها دفاع کنند . از طرف دیگر چه برای هیئت رئیسه غیرمنتظره بود که در ثوران چندین ... تی در برابر آنها نشان دهد ، آنها فکر میکنند که بتوانند از طریق ناراحتان بازی (خاص جیره خواران سرمایه داران) ، بتوانند نمایندگان را رام و دست سیر کنند . ولی نمایندگان چنان برندگی و قاطعیتی از خود نشان دادند که کارفرما و هیئت رئیسه مجبور شدند تا ۴۵ هزار تومان نشان اضافه دستمزد بدهند . همچنین کارفرما را مجبور کردند که قبول کند شورای کارگران ایجاد شده ویر امور مالی تولید و توزیع نظارت نمایند .

نتایج ۸ ماهه مبارزه

بطور خلاصه کارگران در این ۸ ماه توانستند در اثر اتحاد و یکپارچگی ، امتیازات زیر را از کارفرما که سالیان درازی کارگران را استثمار میکنند و مانند زالو خون کارگران را می مکند ، بگیرند :

- ۱- در مهر ماه سال ۵۷ :
- ۲- گرفتن ۶ الی ۱۲ درصد اضافه دستمزد
- ۳- ۴۰۰ تومان حق مسکن و ۲۵۰ تومان حق خوار و بار برای متاهلین (زن و بچه دازما) و ۲۵۰ تومان حق مسکن و ۹۰ تومان حق خوار و بار برای مجردها .
- ۴- افزایش سود ویژه از ۱۰ روز به ۱۵ روز در هر شش ماه .

- ۵- اخراج رئیس کارخانه ، اخراج روسای انتظامات ، امور اداری ، نقلیه و کارگری .
- ۶- انحلال سندیکای قبلی سابق و ایجاد سندیکای واقعی .
- ۷- افزایش مرخصی از ۱۲ روز به ۲۰ روز در سال .
- ۸- افزایش عیدی از ۱۰ روز به ۲۰ روز در سال .
- ۹- افزایش سهمیه روغن نباتی از ۵ کیلو به ۱۰ کیلو دادن کفش ایمنی و نمائی به تمام کارگران که قبلا فقط به تعداد خیلی کمی در حدود ۴۰ نفر میدادند .
- ۱۰- بهبود وضع غذا از لحاظ کمیت و کیفیت و استفاده یکسان از سلف سرویس برای کارگران و کارمندان .
- ۱۱- گرفتن یک دستگاه آمپلیفایر و یک دستگاه اتوسو س جهت سرویس کارگران .
- ۱۲- در اردیبهشت ماه سال ۵۸ :

- ۱- گرفتن ۴۵ هزار تومان با اضافه دستمزد سال ۵۸ که اعفاء سندیکا آنرا بطریق زیرین کارگران تقسیم کرد : به کسانی که بالای ۵۵۰۰ تومان حقوق میگرفتند نفی ۲۵۰ تومان یعنی روزی ۱۵ تومان اضافه کردند . و کسانی که زیر ۵۵۰۰ تومان حقوق میگرفتند ، طبق ضوابط معینی تقسیم نمودند که تقریبا به هرنفر از روزی ۲۰ تومان تا روزی ۴۵ تومان اضافه شد .
- ۲- بطوریکه حداقل حقوق در این کارخانه به همست کارگران به روزی ۶۰ تومان رسیده است .

کارگران : ما ساکت نمی مانیم

کارگران ما رگارین میگویند :
آیا فکر میکنید که ما کارگران دیگر ساکت خواهیم ماند ؟ نه ! در جواب میگوئیم که ما به مبارزاتیسی - امان خود ادامه خواهیم داد ، چون اولا تازه برای ما ثابت شده که چرا کارفرما تا بحال این میالنی را که ما در عرض این شش ماه مبارزه گرفتیم بما نمانده ، فکر میکنید این بیعت کم است . ما هانه یک مایلسون و سمد هزار تومان یعنی ۱/۳۰۰/۰۰۰ تومان . میبینیم که کارفرما چه آسان این حق ما میخورد . حاله که آنسر - گرفتیم ، او خم به ابرو نیارود . چون این مبلغ قطره - ای از همه حقوقی است که سوبله کارفرما از ما به غارت برده میشود . دوما ، ما همچنان با دیگر برادران کارگرمان به مبارزه بر علیه تمامی سرمایه داران ادامه میدهم تا در حالیکه جزئی از حقوق پابمال شده ما ن را بگیریم ، در نهایت نظام سرمایه داری را نابود کنیم . چرا که کارگران آزاد نمی شوند ، مگر روزی که نظام سرمایه داری را نابود کنند و دیگر سرمایه داری وجود نداشته باشد . گسترده تر باد جنبش کارگری ایران !

مادرشان همراهشان نهندند از همان اول در روستا برای مدت معلومی خریداری می‌شوند و از آنها تا حد امکان کاری نکنند. بعضی از کارگران بهشی از سی سال است که بطور مداوم همه ساله به تهران به سرکسوره ها می آیند و بقول خودشان مرد ۲۰ ریل نیز پادشان است ولی اکنون اگر کار نکنند شکم خودرانی توانند سیر نمایند. فرزندان روستایی را در اول بهار از مدارس بیرون آورده به تهران می آورند و در اوایل پاییز با چهره هایی زرد و رنگ پریده به روستا برمی گردانند.

بگزارشی از اعتصاب کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد، قرچک؛

از روز شنبه ۸/۲/۴۸ کارگران کوره پزخانه های خاتون آباد بمنظور اضافه دستمزد و بهبود شرایط محیط کار دست به اعتصاب عمومی زدند و به دنبال آن عده ای از کارگران از کوره های مختلف براه افتاده و از کارگران دیگر خواستند از کار دست بکشند و همچنین خارج کردن اجزای کوره توسط کمربندها جلوگیری نمودند و در صورت هائیز در خیابان های اطراف



تصویر از کیهان، نوشته ۲۸/۲/۴۸

نوشته ای که در زیر قسمت هایی از آنرا برایتان نقل می‌کنیم، گزارشی است از کار و زندگی و مبارزات کارگران کوره پزخانه ها که به کوشش دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر (دانشگاه ملی) حدود یک ماه قبل تهیه و در سطح محدودی انتشار یافته است. کسانی که بخواهند در مورد کوره پزخانه ها اطلاعات بیشتری کسب کنند، می‌توانند به کتاب "قیام کارگران خشمگین" از انتشارات "نبرد برای راهی کارگر" که تصویر زندگی را از چگونگی شرایط کار در کوره پزخانه ها و همچنین مبارزات کارگران ارائه می‌دهد، مراجعه کنند.

امامه از صفحه اول سالروز شهادت ...

سالهای آغازین بحران، بدست رژیم جنایتکار پهلوی بخون کشیده شد. کارگران کوره پزخانه که تحت غیرانسانی ترین شرایط و بدستزدی نازل برای سرمایه داران عسری می پختند، و بحران اقتصادی آنان را در ورطه هلاکت افکنده بود، در تاریخ ۲۳ خرداد ماه ۱۳۳۸، برای سومین بار دست از کار کشیدند و برای مقابله با تورم و جحشتمتگی که زندگی خود و خانواده هایشان را تهدید می کرد، یکپارچه و متحد خواستار ۳۰٪ اضافه دستمزد شدند. رژیم کودتا که هنری جز سرکوب و کشتار نداشت، گزبه های خونخوارش، ساواک، پلیس و ژاندارم را روانه میدان کرد.

گلوله باران کارگران تهران کوره پزخانه ها که به شهادت بهی از ۵۰ تن، دستگیری دهها نفر از کارگران مبارز انجامید، فاجعه طبیعی بود که خلق را در ماتم نشاند. پادشان گرامی و راهشان پایدار باد! اکنون بیست سال از آن فاجعه خونبار می گذرد. در میان کارگرانی که حاضر در کوره پزخانه ها کاری کنند، اندکد کسانی که خود شاهد آن جنایت فجیع بوده باشند. اصلا کسی که توانسته باشد بیست سال در این شرایط جان فرسای کار دوام بیاورد، انگشت شمار است. با قیام شرایط زندگی و کار کارگران کوره پزخانه ها در بیست سال قبل و هم امروز، خواهیم دید که بهیچوجه از رنج و حرمان کارگران گاسته نشده است. لیکن یقین این مدت طبقه کارگر تجارب گرانبهائی شس بیوه در طی مبارزات یکساله اخیر انداخته است که بوی امکان می دهد با زنی راسخ و درونمائی روشن در راه نابودی نظام ظالمانه سرمایه داری و برپائی سوسیالیسم، این یگانه راه رهایی زحمتکشان، کام بردار.

نوشته ای که در زیر قسمت هایی از آنرا برایتان نقل می‌کنیم، گزارشی است از کار و زندگی و مبارزات کارگران کوره پزخانه ها که به کوشش دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر (دانشگاه ملی) حدود یک ماه قبل تهیه و در سطح محدودی انتشار یافته است. کسانی که بخواهند در مورد کوره پزخانه ها اطلاعات بیشتری کسب کنند، می‌توانند به کتاب "قیام کارگران خشمگین" از انتشارات "نبرد برای راهی کارگر" که تصویر زندگی را از چگونگی شرایط کار در کوره پزخانه ها و همچنین مبارزات کارگران ارائه می‌دهد، مراجعه کنند.

الف: مختصری درباره وضعیت کوره پزخانه ها

کوره پزخانه های اطراف تهران عمدتا در نقاط خاتون آباد، ورامین، قرچک، جاده ساوه متمرکزند. در هر کدام از نقاط فوق تعداد ۴۰ - ۵۰ تا حدود ۱۰۰ کوره در مجاور هم قرار دارند و در کنار هر کوره، خانه های کوچک و وجود قاردها کارگران عموما با خانواده شان در آنها بسر می برند. تعداد کارگرانی که در هر کوره کاری می‌کنند متناسب با ظرفیت کوره و حدودا بین ۴۰ - ۷۰ نفر می باشند، کارگران کوره پزخانه همیشگی نبوده بلکه تقسیم هستند. در زمستان عده معدودی کارگر کوره پزخانه بکار مشغولند. در کوره پزخانه کارگران بر حسب نوع کاری که انجام می دهند، به قسمتهای زیرتقسیم می‌شوند: کارگران شمال، کوره سوز، کوره چین و زغال کش ۱۰۰ کارگران کوره پزخانه ها بصورت کنتراتی کاری می‌کنند، یعنی بازی هر ۱۰۰ عدد آجر که چهار نفر برای تهیه آن کاری می‌کنند و تشکیل اصطلاحا دستگاره می دهند. مبلغی به آنها پرداخت می شود. معمولا یک دستگاه از یک مرد و همسر و فرزندان که از روستاها آمده اند، تشکیل می‌شود و مزدی که تا قبل از اعتصاب اخیر دریافت می‌کردند بازی هر هزار عدد آجر حدود ۵۰ تومان بود. کارگران از ۱۵ فروردین به کار مشغول هستند، هنوز وضع دستمزد آنها شخصی نیست قیلا به "ازا" هر هزار آجر حدود ۵۰ تومان می‌گرفتند و اکنون خواهان اضافه دستمزد می‌باشند. از نظر امکانات رفاهی زندگی، کارگران در وضع بسیار بدی بسر می‌برند. در یک اتاق کوچک گاهی تا ۱۰ نفر زندگی می‌کنند، آنها گاهی در هوای ۵۰ درجه بالای صفر و بیشتر کاری می‌کنند و بعلت نبود حمام در محل دچار بیماریهای انگلی و پوستی می‌شوند در اکثر کوره ها از توالت و سایر لوازم بهداشتی خبری نیست. از نظر آب آشامیدنی یکتانگر آب برای همه افراد یک کوره وجود دارد. بهره کشی از کودکان که شد بدترین شکل انجام می‌گیرد، بطوریکه بعضی از اطفال که پدر و

در مجموع در شورای نمایندگان اکثریت با نمایندگان مرتجع می باشد. در روز پنجشنبه ۵/۲/۴۸ عده ای دانشجوی دختر و پسر با مقداری دارو بعنوان پزشک به محل این کوره ها آمده و دختران ساعتی به زنان که مشغول جمع کردن اجزای بودند کمک کردند سپس آنها مقدار زیادی فقط قرص مسکن برای تمام درد ها تجویز کردند و همچنین مدتی به آنها اصول دین یاد دادند و از کارگران سئوالاتی در مورد اینکه آیا دانشجویه میان شما می آید یا نه و اینکه مواظب باشید گمراهتان نکنند و ... می نمایند.

پد نال اعتصاب خاتون آباد کارگران کوره پزخانه های قرچک اعلام با اعتصاب نموده شنبه ۵/۲/۴۸ و غروب همان روز از هر گروه يك نفر نمایندده انتخاب نمودند که تعداد نمایندگان جمعا ۴ نفر شد.

در این ناحیه (قرچک) حدود ۴ تا ۵ هزار کارگر در بهی از ۴۰ تا ۵۰ کوره کاری می‌کنند. این کوره ها متعلق به حدود ۴۰ نفر است. کارگران کوره پزخانه ها اغلب از ناحیه خراسان و آذربایجان و کرد می‌باشند. کارگران خواهان ۱۰۰ تومان دستمزد به ازای هر هزار عدد آجر می‌باشند و همچنین خواهان دستکش، کفش، و لباس کار و فلاکس بخ برای تابستان و زمایای بیمه از آنجا که کارگران اکثر روستایی و مهاجر می باشند امکان شکستن اعتصاب توسط بعضی از آنها وجود دارد، همین منظور یک گروه از کارگران که حدودا چهار صد یا پانصد نفر می‌باشند سعی می‌کنند از شکستن اعتصاب توسط این عده جلوگیری نموده و آنها را به ادامه اعتصاب تشویق نمایند. پد نال اعتصاب یکپارچه کارگران، روز یکشنبه بعد از ظهر که کارفرمایان بمنظور درهم شکستن صفوف متحد و متشکل کارگران در مسجد قرچک جمع می‌شوند و بر ضد کارگران به توطئه چینی می پردازند، در ضمن از نمایندگان کارگران نیز می خواهند که در جلسه آنان شرکت کنند. کارگران بمنظور کسب اطلاع همگی به مسجد می‌روند، در آنجا کارفرمایان دوتن از نمایندگان کارگران را ضد انقلابی خوانده و آنها را تهدید به دستگیری از طرف کمیته می‌نمایند. در اینجا کارگران به حمایت از نمایندگان خود برخاسته و ایستادگی را از مسجد فراری می دهند. فردای آن روز اسرار کمیته به تحریک کارفرمایان بکوره پزخانه می آیند و هم چون جماع کارفرمایان وارد عمل می‌شوند و کارگران را ضد انقلاب می نامند. فردی از کارفرمایان در سخن خود می‌گوید: "بزن! بزن! این رفتار افراد کمیته با شدت عمل کارگران رهبر می‌چوب بر می‌دارد. در این میان کارفرمایان نیز جرات نمی‌کنند سرکوره ها حاضر شوند. نمایندگان کارگران که برای احقاق حقیق خود به کلیه مراجع قانونی مراجعه نمودند و با پند و اندرز رهبری شدند سرانجام تصمیم می‌گیرند بحضرت آیت الله طالقانی بروند، پد نال آن ۴۰ نفر نماینده ۵۰ نفر انتخاب شده و به ملاقات آیت الله طالقانی میروند و خواستههای خود را با ایشان در میان می‌گذارند. آیت الله طالقانی نماینده ای از جانب خود تعیین می‌نماید که به ساقل رسیدگی کند، سرانجام نماینده آیت الله طالقانی با استناد به مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی زده ۴۰٪ اضافه حقیق (۷۰ تومان بازی هر هزار آجر) بملاو ۳۰۰۰ تومان پاداش سالانه و کفش دستسختن و مسائل بهداشت را به کارگران می‌دهد، در ضمن قول می‌دهد که حقیق دور ان اعتصاب هم پرداخت شود. از ۵ نماینده ۳ نفر با طرح فوق موافقت نمودند و دو نفر دیگر خواهان امتیاز بیشتری بودند ولی سرانجام آن دو نفر نیز طرح فوق را می پذیرند. پد نال این توافق شب چهارشنبه نماینده آیت الله طالقانی با بلند کردن کوره ها به کارگزاران قول می‌دهد که به خواستههای آنان رسیدگی می‌شود و از آنها می‌خواهد که از فردا (صبح پنجشنبه) به سرکار بروند، بدین ترتیب کارگران از صبح پنجشنبه ۲/۲/۴۸ به سرکار باز می‌گردند.

اکنون که حدود یکماه از تهیه این گزارش می‌گذرد، کارگران مبارز کوره پزخانه ها توانسته اند به این اعتصابات وسیع و همگانی خود، میزان دستمزد خود را درازای تولید هر یک هزار آجر، تا ۱۰۰ - ۷۴ تومان افزایش دهند.

روز ۱۵ خرداد به دعوت کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر میهنی در دانشکده پلی تکنیک تهران برگزار شد که در آن قریب ۱۵ هزار نفر شرکت کردند. بنظر ما بزرگداشت این روز از طرف نیروهای غیر مذهبی از آن جهت ضروری بود که برخی میکوشند قیام ۱۵ خرداد را جدا از انگیزه ها و زمینه های اجتماعی - اقتصادی داشته آنرا فقط و فقط ناشی از مبارزه روحانیت بدانند. ما نه تنها نقش روحانیت مبارز و همگامی آن با مبارزات آرزوی خلق را نادیده نمیگیریم بلکه نقش بارز و شمیم کننده آیت الله خمینی را در قیام ۱۵ خرداد ارجح میگذاریم. بدیهی است آنچه در یک برخورد علمی باید پدید آید اهمیت و سندیت دارد این است که همه جوانب و علل پدیدار را در ارزیابی خود حساب آوریم و به یک جانبه نگری نینتوانیم. عوامل روحانی و عوامل زبیربنا - شی را هر کدام در حد خود و حدت و شدتی که داشته اند بشناسیم.

ما عده ای از کارگران شهر صنعتی قزوین - سالگرد قیام انقلابی خلق ایران را علیه امپریالیسم و نوکران داخلی آن در ۱۵ خرداد ۲۲ گرامی میداریم. ما مضمون حشمت انقلاب ایران را تا نابودی کامل امپریالیسم و ارتجاع داخلی و راه شهیدان عزیزمان را ادامه دهیم، ما باند جاسوس کمیته مرکزی حزب توده را که سعی در فریب خلقمان دارد محکوم میکنیم. - گروهی از کارگران آبادان - در پیام این رفقای کارگر آمده است:

ما عده ای از کارگران آبادان - با دانش این تجربه تلخ دیگر حاضر نیستیم زیر بار سازشکاران برویم. تنها راه نجات ما زمتکشان و مستبد و تشکیلات خودمان است. -
- عده ای از مصلحان قزوین (طرفدار کنفرانس وحدت) :
۱۵ خرداد ۲۲ سالگرد قیام خلقهای رزمندگانه ایران در برابر طبقه امپریالیستی بین المللی و سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری مغفور محمدرضا - شاه را گرامی داشته و پیوند و همبستگی هر چه بیشتر خلقهای تحت تسلط ایران را بر علیه استبداد و امپریالیسم بین المللی سرکودگی آمریکای آرزو داریم .
- عده ای از کارگران شهرک آبگاران قسمت آزمایشگاه و سانترال :
۱۶ سال از کشتار خلق مبارز ما بدست رژیم مغفور پهلوی و امپریالیستها می گذرد . خلق قهرمان مادری ۱۵ خرداد ۲۲ برای حق کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم بیباخت و بیباکهای " نابود باد امپریالیسم " و " زنده باد آزادی و استقلال " به میدان مبارزه آمد . اما نوکران امپریالیسم آنها را به خاک و خون کشانیدند . اکنون که رژیم مغفور پهلوی در اثر مبارزات قهرمانانه خلق ایران به زواله دان تاریخ سپرده شده است باید برای حقوق شعار ، همه خلقهای قهرمان خود یعنی " قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم " از پای نشینیم .
- عده ای از کارگران صنایع الکتریکی البرز - هفتاد و پنج روز ۱۵ خرداد معاد با پنجم زوشن سالگرد تجاویز اسرائیل به خلقهای عرب است مقاله ای در این باره ، در علل و پیامدهای این جنگ امپریالیستی صهیونیستی و اوچکیری مقابلهت فلسطین بعد از جنگ ، خوانده شد .
در این روز ضرورت اتحاد کارگران ایرانی ریشه کن کردن استعمار و اتحاد خلقهای ایران و عرب برای ریشه کن کردن اسرائیل از بازرترین شمارهای بود که بارها از سوی شرکت کنندگان تکرار میگردد .
۱- دورد بر شهادی بگون غشته خلق
۲- هر چه مستحکم تر باد پیوند روشنفکران و کارگران ایران
۳- نابود باد سلطه امپریالیسم و ارتجاع داخلی
۴- برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلقهای ایران

تجاویز و کشتار جنگنده های عراقی محکوم است

در هفته گذشته جنگنده های عراقی به مرز ایران تجاوز کرده و روستاهای بید فاغ را مورد حمله قرار دادند . این حمله موجب کشته شدن چند تن از هموطنان ما گردید . چنین تجاوز و کشتاری تحت هر بهانه ای که صورت گیرد شدت محکوم است . دولت عراق عنوان کرده است که برای پیگرد سر - کوبی عناصر رژیم قیامه موقت - دست به این جنایت زده است . در اینکه " قیامه موقت " مزدور ساواک و امپریالیسم و ارتجاع است ، شک نیست . و در اینکه " دولت موقت " نه تنها اقدامی در سرکوبی این باند جنایتکار بعمل نمی آورد بلکه همکاریهای شخصی نیز با این داور دسته ارتجاعی داشته است ، در این نیز جای بحث نیست . ولی اینها هیچکدام نمی توانند تجاوز و کشتار رژیم فاشیست عراق را توجیه کند . بخصوص اگر توجه کنیم که فاشیستهای عراق همواره تحت عنوان فریبنده ای اعمال جنایتکارانه و ضد دمکراتیک خویش را پیش می برند . آنها که تحت عنوان مبارزه با بارزانی مزدور ، از دادن حق تعیین سرنوشت به خلق کرد عراق سرپا ز زدنند ، امروز به پیچیده نمی توانند جنایت خود را تحت عنوان مبارزه با بقایای مزدوران بارزانی توجیه نمایند .

برخی از نیروهای مترقی در رابطه با پیشنهاد بزرگداشت ۱۵ خرداد از طرف نیروهای چپ عقیده دارند که چون این روز ، روز روحانیت و نیروهای مذهبی است ما نباید به برگزاری مراسمی اقدام کنیم / آنها با این نظر خود در واقع بر یک تحلیل و - بر - ذات یکجانبه از قیام ۱۵ خرداد محم گذارده و راه را برای انحراطمی و جعل و تحریف بیشتر تاریخ باز مینمایند . روز ۱۵ خرداد همانقدر متعلق به زحماتکنان ایران است که سایر ملت ها ، بلکه هم میبازد - کبهای هر کدام را نا نادمه بگیریم . بهر حال از نظر ما این درست و وظیفه نیروهای مارکسیستی لنینیستی است که همواره موقع و تحلیل علمی و صحیح خود را به نحوی شایسته و با شرایط شرایط موثر بودن بسودن محافظه کاری ابراز دارند .
اما در میتینگ کنفرانس وحدت در دانشکده پلی - تکنیک غیر از مقاله ای که راجع به ۱۵ خرداد خوانده شد پیامهایی هم از گروههای زیر فراشت گردید :
۱- دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر
۲- عده ای از کارگران شهر صنعتی قزوین - (طرفدار کنفرانس وحدت) . در قسمتی از این پیام آمده است :

خانواده در روستای بوخه لو مبلغ بیست هزار تومان باج می خواهند وقت تعیین می کنند که تهیه کنند . دو روز بعد خبردار شدیم که یک خانواده از این سه خانواده به شهر و یک خانواده دیگر به یک روستای دور دست کوچ کرده اند .

اخبار کردستان

● شب پنجشنبه ۸۸/۳/۱۱ بخاطر تخلیه یک کامیون اجیر و مزاحمت توسط افراد کمیته مفتی زاده در سنجند درگیری مسلحانه ای بوجود می آید که در ضمن آن دو نفر بنام های احمد محمدی و برادرزاده او عزیز محمدی توسط یکی از افراد کمیته مفتی زاده از پای در می آیند . مردم پس از مطلع شدن از واقعه ، لا اله الا الله گویان نظا هراتی برپا می کنند و سپس با شعارهای " مرگ بر مفتی - کمیته اسلامی مفتی باید گردد - قاتل تحویل باید گردد - به طرف کمیته می روند ، ابتدا از طرف کمیته - جسی ها برای متفرق شدن جمعیت اقدام به تیراندازی هوایی می شود ولی جمعیت که از اعمال آنها شدت ناراحت بوده به این عمل آنها واقعی نینهد و به ساختمان کمیته حمله می کنند و آنرا به آتش می کنند و تمام ائامه آن منقطعله مقداری سلاح (توسط مردم سیا عاملین خود مفتی زاده) صادره می شود (در این مورد گزارش کمیته چی ها قاتل را فرار می دهند) . بعد از مدتی که ساختمان در آتش می سوخت بخاطر خانه های مجاور آنرا خاموش نمودند . جنازه دو نفر همان شب بچاک سپرده می شود و مردم تا پاسی از شب را به سدار ماندند و میسویسی هم که مربوط به کمیته بود آتش زدند . شورای شهر برای روز بعد اعلام نمود که کمیته ها در اختیار ما بوده و مردم نمی بایست دست به چنین کاری می زدند و کمیته را به آتش می کشیدند . ما با شکل دیگری مسئله را فیصله می دادیم .

● از میروان در مورد قیامه موقت (۵۸/۳/۲۴)
یکی از سران قیامه موقت بنام " حندرن " که به ناصح نیز مشهور است هر چند وقت بیکار با هواپیمای کرایه ای از کرج به سنجند آمده و به میروان می آید تا به پایگاه قیامه ایها سر بزند . اخیرا این شخص با عده معدودی از اهالی شهر گهمد تا بازاری بوده اند تماشای گرفته و توافقاتی را به شرح زیر امضا نموده اند
۱- نیروهای قیامه با هم به پیغمبرهای کرد عراقی شناخته شوند .
۲- قیامه ایها در امور ایران دخالت نکنند .
۳- قیامه ایها از کارهای گذشته خود در میروان ابراز ندامت کنند .
۴- پیغمبرهای بدنام تغییر محل بدهند .
۵- پیغمبرهای مسلح به شهر نیایند .
۶- از انجام تظاهرات و پخش اعلامیه بپزدند تفساده خودداری گردد .
با توجه اینکه تا کنون سران این داور دسته ضد خلقی آزادانه در بین ما می چرخند و دولت موقت نه فقط هیچ مانعی در راه آنان ایجاد نمی کند ، بلکه کمکهای شخصی هم به آنها کرده است . معنای توافقی فوق چیزی جز رسمیت بیشتر دادن به " قیامه موقت " نیست . سلما این داور دسته ارتجاعی با استفاده از چنین امکاناتی وقتی به قدرت بیشتری رسیدند تمام این توافقات را نیز نقض خواهند کرد .

نابود باد بقایای سلطه امپریالیسم